

شاگردان مسیح

رسول Apostle

لغت فوق به معنای **فرستاده، پیام آور** می باشد .

برای درک مفهوم و معنی رسول در دوران عهد جدید، ضروری است که به ادبیات باستان و یهود، بطور همزمان نگاه کنیم .

در یونان باستان، یک تفاوت اساسی بین یک پیامبر و رسول وجود داشته است. یک رسول نه تنها پیامبر بوده بلکه نماینده و نشان دهنده شخصی بوده که او را فرستاده است .

در دوران اولیه یهودیت، رسول به شخصی گفته می شد که از طرف پدر سالار قوم یا پادشاه برای جمع آوری موقوفات و نذریات، برای یهودیان آواره و نیازمند، فرستاده می شده است .

برای درک و مفهوم کلمه رسول در عهد جدید، احتیاج نیست که بصورتی عمیق، عهد جدید را مورد بررسی قرار دهیم. برای کشف منشاء اینکه چرا مسیحیان از این لغت استفاده می کرده اند، می توانیم بدون درنگ به مفهوم طبیعی آن مراجعه کنیم. رسول اصطلاحی بود که توسط مسیح استفاده می شد، باید به یاد داشته باشیم که آن لغتی آرامی بوده که معادل معنی اصلی کلمه یونانی بوده است .

دوازده

در تاریخ عهد جدید، ما برای اولین بار میشنویم که مسیح، دوازده شاگرد را خواند تا آنها را جهت خدمت بشارتی به روستاها بفرستد. مسیح آنها را برای بازگو کردن تعلیماتش به عموم مردم در اولین مرحله اعزام می کند. و عیسی مسیح دوازده شاگرد خود را، رسول می نامد. مسیح در آخرین کلام خود به آنها می گوید که بروند و تمام قومها را شاگرد وی سازند.

زمانی که ما کتاب اعمال را می خوانیم، کلمه « رسول » به صورتی متداول برای یازده شاگرد مسیح مورد استفاده قرار می گیرد. سپس متیاس را بجای یهودای اسخریوطی انتخاب و دوازده نفر شدند.

منابع کتاب مقدس : مرقس باب ۳ و ۶ - لوقا باب ۶ و ۹ - متی باب ۱۰ - اعمال باب ۱ و ۲
مرقس باب ۳ آیه ۱۴

۱۴ و دوازده نفر را مقرر فرمود تا همراه او باشند و تا ایشان را بجهت وعظ نمودن بفرستد،
مرقس باب ۶ آیه ۳۰

۳۰ و رسولان نزد عیسی جمع شده، از آنچه کرده و تعلیم داده بودند او را خبر دادند .
لوقا باب ۶ آیه ۱۳

۱۳ و چون روز شد، شاگردان خود را پیش طلبیده دوازده نفر از ایشان را انتخاب کرده، ایشان را نیز رسول خواند .
متی باب ۱۰ آیه ۱

۱ و دوازده شاگرد خود را طلبیده، ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهند .

لوقا باب ۹ آیه ۱

۱ پس دوازده شاگرد خود را طلبیده، به ایشان قوت و قدرت بر جمیع دیوها و شفا دادن امراض عطا فرمود .
اعمال باب ۱ آیه ۲

۲ تا آن روزی که رسولان برگزیده خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد .

اعمال باب ۱ آیه ۲۶

۲۶ پس قرعه به نام ایشان افکندند و قرعه به نام متیاس برآمد و او با یازده رسول محسوب گشت .

اعمال باب ۲ آیه ۴۲

۴۲ و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند .

شاگرد Disciple

لغت فوق به معنای **مُرید، پیرو، دانش پژوه** می باشد .

این کلمه تنها در کتاب اناجیل و اعمال دیده می شود. در دوران هیرودیس و زبان یونانی این کلمه همیشه معنی دانش آموز شخصی و یا بطور اخص دانش آموز یک معلم یا ارباب، را داشته است. در تمامی شرایط، شاگرد دلالت بر شخصی را دارد که نه تنها دیدگاه های معلم خود را می پذیرد، بلکه در عمل نیز پیرو و تابع معلم خود می باشد. این کلمه دارای چندین کاربرد است. در مفهومی گسترده تر و عمومی، شاگرد شخصی است که آموزش های شخصی دیگر را نه تنها در باور، بلکه در زندگی خود می پذیرد .

کلمه شاگرد برای پیروان یحیی تعمید دهنده و فریسیان که پیرو موسی بودند، نیز استفاده می شده است. اما در کتاب مقدس در بیشترین موارد متعارف برای مشخص کردن پیروان مسیح استفاده شده است. بصورت گسترده تر و اغلب، این کلمه فقط برای پیروان مسیح در اناجیل آمده است و بطور ویژه برای دوازده رسول (دوازده شاگردان) مسیح، که حتی گاهی بصورت ساده «شاگرد» نامیده شده اند .

در کتاب اعمال، پس از مرگ و عروج عیسی به آسمان، «شاگردان» اشخاصی بودند که اعتراف می کردند که او مسیح است. شاگردان که شامل زنان نیز می شدند، مسیحی نامیده شدند. حتی تعدادی از ایمانداران و شاگردان اولیه کسانی بودند که از یحیی، تعمید گرفته بودند. عیسی مسیح به شاگردان خود گفت: «پس رفته، همه امت ها را شاگرد سازید.» امروز پیروان مسیح، شاگردان او هستند و وظیفه آنان است که دیگران را «شاگردان» سازند . در عهد قدیم، نه چنین دوره ای و نه چنین عقیده ای وجود داشته است. هر چند تفاوتی بین معلم و شاگرد در بین سرابندگان خانه خدا در زمان داود و هم چنین تفاوتی بین انبیا و شاگردانشان به چشم می خورد.

منابع کتاب مقدس : مرقس باب ۲ - لوقا باب ۵، ۶، ۷ - متی باب ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۲۲، ۲۷، ۲۸ - یوحنا باب ۳،

۶، ۹ - اعمال باب ۶، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۹ - پادشاهان دوم باب ۶ - سموئیل اول باب ۱۹ - اول تواریخ باب ۲۵

متی باب ۱۰ آیه ۲۴

۲۴ شاگرد از معلم خود افضل نیست و نه غلام از آقایش برتر .

لوقا باب ۶ آیه ۴۰

۴۰ شاگرد از معلم خویش بهتر نیست لیکن هر که کامل شده باشد، مثل استاد خود بود .

متی باب ۹ آیه ۱۴

۱۴ آنگاه شاگردان یحیی نزد وی آمده، گفتند: «چون است که ما و فریسیان روزه بسیار می داریم، لکن شاگردان تو روزه نمی دارند؟»

لوقا باب ۷ آیه ۱۸

۱۸ و شاگردان یحیی او را از جمیع این وقایع مطلع ساختند .

یوحنا باب ۳ آیه ۲۵

۲۵ آنگاه درخصوص تطهیر، در میان شاگردان یحیی و یهودیان مباحثه شد .

متی باب ۲۲ آیه ۱۶

۱۶ و شاگردان خود را با هیرودیان نزد وی فرستاده، گفتند: «استادا می دانیم که صادق هستی و طریق خدا را به راستی تعلیم می نمایی و از کسی باک نداری زیرا که به ظاهر خلق نمی نگری .

مرقس باب ۲ آیه ۱۸

۱۸ و شاگردان یحیی و فریسیان روزه می داشتند. پس آمده، بدو گفتند: «چون است که شاگردان یحیی و فریسیان روزه می دارند و شاگردان تو روزه نمی دارند؟»

لوقا باب ۵ آیه ۳۳

۳۳ پس به وی گفتند: "از چه سبب شاگردان یحیی روزه بسیار می‌دارند و نماز می‌خوانند و همچنین شاگردان فریسیان نیز، لیکن شاگردان تو اکل و شرب می‌کنند."

یوحنا باب ۹ آیه ۲۸

۲۸ پس او را دشنام داده، گفتند: "تو شاگرد او هستی. ما شاگرد موسی می‌باشیم."

لوقا باب ۶ آیه ۱۷

۱۷ و با ایشان به زیر آمده، بر جای هموار بایستاد و جمعی از شاگردان وی و گروهی بسیار از قوم، از تمام یهودیه و اورشلیم و کناره دریای صور و صیدون آمدند تا کلام او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند.

یوحنا باب ۶ آیه ۶۶

۶۶ در همان وقت بسیاری از شاگردان او برگشته، دیگر با او همراهی نکردند.

متی باب ۱۰ آیه ۱

۱ و دوازده شاگرد خود را طلبیده، ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهند.

متی باب ۱۱ آیه ۱

۱ و چون عیسی این وصیت را با دوازده شاگرد خود به اتمام رسانید، از آنجا روانه شد تا در شهرهای ایشان تعلیم دهد و موعظه نماید.

متی باب ۱۲ آیه ۱

۱ در آن زمان، عیسی در روز سبت از میان کشتزارها می‌گذشت و شاگردانش چون گرسنه بودند، به چیدن و خوردن خوشه‌ها آغاز کردند.

اعمال باب ۶ آیه ۱ تا ۲

۱ و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلینستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه‌زنان ایشان در خدمت یومیه بی‌بهره می‌ماندند. ۲ پس آن دوازده، جماعت شاگردان را طلبیده، گفتند: "شایسته نیست که ما کلام خدا را ترک کرده، مانده‌ها را خدمت کنیم."

اعمال باب ۶ آیه ۷

۷ و کلام خدا ترقی نمود و عدد شاگردان در اورشلیم بغایت می‌افزود و گروهی عظیم از کهنه مطیع ایمان شدند.

اعمال باب ۹ آیه ۳۶

۳۶ و در یافا، تلمیذهای طابیتا نام بود که معنی آن غزال است. وی از اعمال صالحه و صدقاتی که می‌کرد، پر بود.

اعمال باب ۱۱ آیه ۲۶

۲۶ و ایشان سالی تمام در کلیسا جمع می‌شدند و خلقی بسیار را تعلیم می‌دادند و شاگردان نخست در انطاکیه به مسیحی مسمی شدند.

اعمال باب ۱۹ آیه ۱ تا ۴

۱ و چون آپلس در قرتس بود، پولس در نواحی بالا گردش کرده، به افسس رسید. و در آنجا شاگرد چند یافته، ۲ بدیشان گفت: "آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟" به وی گفتند: "بلکه نشنیدیم که روح القدس هست!" ۳ بدیشان گفت: "پس به چه چیز تعمید یافتید؟" گفتند: "به تعمید یحیی." ۴ پولس گفت: "یحیی البته تعمید توبه می‌داد و به قوم می‌گفت به آن کسی که بعد از من می‌آید ایمان بیاورید یعنی به مسیح عیسی."

متی باب ۲۷ آیه ۵۷

۵۷ اما چون وقت عصر رسید، شخصی دولتمند از اهل رامه، یوسف نام که او نیز از شاگردان عیسی بود

متی باب ۲۸ آیه ۱۹

۱۹ پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسمِ اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید .

اعمال باب ۱۴ آیه ۲۱

۲۱ و در آن شهر بشارت داده، بسیاری را شاگرد ساختند. پس به لستره و ایقونیه و انطاکیه مراجعت کردند .

اول تواریخ باب ۲۵ آیه ۸

۸ و برای وظیفه‌های خود کوچک با بزرگ و معلم با تلمیذ علی‌السویه قرعه انداختند .

سموئیل اول باب ۱۹ آیه ۲۰

۲۰ و شاول قاصدان برای گرفتن داود فرستاد، و چون جماعت انبیا را دیدند که نبوت میکنند و سموئیل را که به

پیشوایی ایشان ایستاده است، روح خدا بر قاصدان شاول آمده، ایشان نیز نبوت کردند .

پادشاهان دوم باب ۶ آیه ۵

۵ و هنگامی که یکی از ایشان تیر را می‌برید، آهن تبر در آب افتاد و او فریاد کرده، گفت: «آه ای آقایم، زیرا که عاریه بود.»

پطرس Peter

لغت فوق به معنای **صخره می باشد** .

اطلاعات در مورد پطرس، بطور کلی در چهار کتاب اناجیل، اعمال باب ۱ تا ۱۵، در غلاطیان ۱ و ۲، و در دو رساله پطرس، دیده می شود .

نام و شغل اولیه

پطرس شخصی یهودی بود که نام اصلی وی شمعون (در زبان یونانی سیمون) به معنای "شنا" می باشد. نام پدر او یونا و نام برادرش اندریاس که از شاگردان یحیی تعمید دهنده بود. وی ساکن بیت صیدا در شمال دریاچه جلیل بود، هر چند که سپس با خانواده خود در کفرناحوم ساکن گردید. شغل وی ماهیگیری و با برادرش اندریاس و با یعقوب و یوحنا پسران زبدي، شریک بوده و با هم به ماهیگیری می رفتند. پطرس ازدواج کرده و در سفرهای بشارتی خود همسرش را نیز همراه خود می برده است.

اولین نمود او در اناجیل

پطرس از پیروان یحیی تعمید دهنده بود، پس از آنکه اندریاس فهمید که عیسی همان مسیح است، نزد پطرس آمده و او را برای اولین بار به مسیح معرفی شد. عیسی نام وی را به کیفا که ترجمه آن پطرس می باشد، تغییر داد. پیتر یا کیفا از اسامی آرامی است که در زبان یونانی قدیم پطرس نامیده می شده است، و تمامی آنها به معنای "صخره" می باشد. در کتاب مقدس زمانی که خداوند نام شخصی را تغییر می دهد، بیانگر نقشه بزرگی است که خداوند برای او در نظر گرفته است برای مثال: خداوند ابرام را به ابراهیم و سولس را به پولس و یعقوب را به اسرائیل تغییر داد. در این ملاقات وی برای اولین بار، توسط مسیح به شاگردی خوانده شد. برای دومین بار زمانی بود که انتخاب کرد که همراه و وفادار به مسیح باشد، و برای سومین بار زمانی که به عنوان رسول انتخاب گردید.

زندگی نامه

داستان زندگی پطرس به دو دوره تقسیم می شود. اولین دوره از زمان خوانده شدن وی به شاگردی تا عروج عیسی به آسمان، و دومین دوره پس از عروج عیسی و شامل خدمات زمینی وی می باشد.

۱- اولین دوره شامل وقایعی است که قبل از به صلیب کشیدن مسیح و اتفاقات بعد از آن می باشد.

ما نمیدانیم در اولین دیدار پطرس با مسیح، وی چگونه فکر کرد، اما دومین دیدار وی با مسیح، زمانی بود که مسیح به قایق وی وارد شد و به او گفت دوبار تور ماهیگیری را در دریا بیندازد و پس از گرفتن ماهی بسیار، پطرس به گناهکار بودن خود اعتراف کرده و گفت: "ای خداوند از من دور شو زیرا مردی گناهکارم." عیسی به وی گفت که تترسد و پس از آن میاد مردم خواهد شد .

پطرس اولین شاگرد از دوازده شاگرد عیسی مسیح بوده است. وی و سایر شاگردان پس از بازگشت از میهمانی عروسی در قانای جلیل، به عیسی ایمان آوردند. سپس پطرس به کفرناحوم آمده و در آنجا ساکن گردید. مادر زن پطرس در کفرناحوم توسط مسیح شفا یافت. پطرس تمامی خانه و زندگی و کار خود را کنار گذاشته و به دنبال و پیروی عیسی آمد. او عیسی را، مسیح پسر خدای زنده خواند و عیسی کلیدهای ملکوت آسمان را به وی سپرد. پس از سخنان عیسی در کنیسه کفرناحوم تعداد زیادی از پیروانش او را ترک کردند، اما پطرس به عیسی گفت: که تو خدای زنده هستی و ما تو را ترک نخواهیم کرد. وی همراه با یوحنا و یعقوب شاهد بر برخاستن دختر یایروس از مردگان توسط عیسی بود. زمانی که عیسی بر روی آب راه می رفت تا به قایق آنان برسد، پطرس از وی خواست که او هم بر روی آب راه رود. اما زمانی که موجهای بلند را دید، دچار وحشت شده و به داخل دریا فرو رفت، و عیسی او را از آب بیرون کشید. پطرس یکی از سه شاگردی بود که توسط عیسی به بالای تپه ای برده شد و او حضور الیاس و موسی را با مسیح دید. پطرس پس از صحبت

با مامور وصول مالیات و اطلاع آن به عیسی، از طرف عیسی مامور گرفتن ماهی با قلاب و یافت یک سکه در دهان ماهی و پرداخت آن به مامور وصول مالیات گردید .

پطرس و یوحنا مامور تدارک شام فصیح (شام آخر) گردیند. وی در مرحله اول اجازه نداد که عیسی پاهای او را بشوید، اما پس از سخنان مسیح، اجازه داد که او پاهایش را بشوید. پس از شام، پطرس یکی از کسانی بود که عیسی با خود به باغ جتسیمانی برد، ولی در آنجا به خواب رفت. عیسی مسیح برای وی دعا کرد تا ایمانش توسط شیطان تلف نشود و به وی گفت قبل از بانگ خروس سه بار وی را انکار خواهد کرد. زمانیکه عیسی را دستگیر می کردند، پطرس به حمایت از عیسی، شمشیر کشیده و گوش یکی از سربازان را قطع کرد و مسیح وی را مورد نکوهش قرار داد، سپس پطرس و بقیه شاگردان عیسی را تنها گذاشته و فرار کردند. در هنگامی که عیسی را سران قوم یهود بازخواست می کردند، وی سه بار قبل از خواندن خروس، دوستی با عیسی را انکار کرد و سپس به گوشه ای رفت و گریست .

دیگر از پطرس تا رستاخیز مسیح از مردگان چیزی دیده نمی شود. فرشته ای که خبر برخاستن مسیح از مردگان را به زنان گفت، بطور ویژه از پطرس نام می برد. پطرس و یوحنا اولین کسانی بودند که مریم مجدلیه پس از آنکه سنگ قبر را در جایش ندید، به آنان اطلاع داد، و پطرس اولین نفری بود که وارد قبر شده و کفن را باز شده دید و از عیسی هیچ خبری نبود. وی عیسی را قبل از سایر شاگردان زنده دید. فردای آنروز عیسی باز در کناره دریای طبری، در بین شاگردان حضور پیدا کرد و پس از معجزه مید ماهی، پطرس اولین کسی بود که به او خوش آمد گفت، و بعد از خوردن صبحانه، عیسی سه بار از پطرس پرسید: "ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از اینها محبت می‌نمایی؟" و پطرس جواب داد بلی خداوند، تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم و پیمان خود را در پیروی از عیسی تا مرگ استوار ساخت.

۲- دومین دوران زندگی پطرس از عروج مسیح تا تغییر و تبدیل پولس بصورتی خلاصه بازگو می شود .

پس از عروج مسیح، که پطرس بدون تردید یکی از شاهدان آن بود، وی در بالاخانه ای در اورشلیم در بین صد و بیست نفر سخنرانی کرده و بنا به پیشنهاد پطرس، پس از دعا و به قید قرعه، متیاس را به جای یهودای اسخریوطی انتخاب کردند و در روز پنطیکاست به سبب سخنرانی پطرس، که پر از روح القدس بود، تعداد زیادی به مسیح ایمان آوردند. پس از معجزه شفای شخصی لنگ در دروازه معبد، پطرس و یوحنا توسط روسای یهود دستگیر و به زندان افتادند. پس از دستگیری و حضور در شورای یهودیان، به سبب ترویج حقانیت مسیح، اعضای شورا، او را شخصی بی سواد و معمولی اما پر جرات دیدند، و دانستند که همراهی با عیسی چنین تغییر شگرفی در آنان به وجود آورده و آنان را رها کردند. اما دوباره بر اثر حسادت به خاطر شفای بیماران و دیوانگان توسط پطرس، رئیس کهنه، وی را دستگیر و به زندان انداخت، اما فرشته خداوند درهای زندان را گشوده و آنان را آزاد کرد، رئیس کهنه سپس او را به جلسه شورای یهود برد و پس از دفاعیه پطرس، اعضای شورا تصمیم گرفتند او را بکشند، اما به خاطر صحبت شخصی فریسی، به نام غمالائیل، پطرس را شلاق زده و آزاد کردند.

زمان آن فرا رسیده بود که پطرس اورشلیم را به مقصد سامره جهت بشارت و آموزش نوایمانان ترک کند. وی پس از آن دوباره به اورشلیم بازگشت. وی به لده رفته و در آنجا شخصی به نام اینیاس را که مدت هشت سال فلج بود، شفا داد و سپس در یافا زنی به نام طابیتا را که مرده بود دوباره زنده کرد و عده بسیاری به مسیح ایمان آوردند و این آغاز گشودن دری برای ایمان آوردن غیر یهودیان به مسیح بود. پس از بازگشت از یافا به اورشلیم، توسط مسیحیان یهودی تژاد، به سبب همراهی و غذا خوردن با غیر یهودیان، مورد بازخواست قرار گرفت، اما پطرس از ایمانداران غیر یهودی دفاع کرده و اعلام کرد که نجات شامل تمام امت ها می باشد. وی در زمان هیرودیس نیز دستگیر شده و به زندان افتاد، ولی توسط فرشته خداوند از زندان نجات پیدا کرد. پطرس مدت زمانی نیز در انطاکیه به فعالیت پرداخت و در شورایی که در اورشلیم جهت ختنه شدن غیر یهودیانی که ایمان آورده بودند، شرکت و بر علیه این عقیده سخنرانی کرد و در این جلسه پولس را نیز ملاقات نمود. در انطاکیه پولس وی را به سبب دوگانگی در رفتار با یهودیان و غیر یهودیان مورد نکوهش قرار داد. احتمالاً وی در بابل نیز به بشارت پرداخته است، ولی بطور محرز مدتی در روم اقامت داشته است. در مورد مرگ وی در کتاب مقدس هیچ چیزی گفته نشده است.

گفته می شود که وی در سال ۶۷ بعد از میلاد در سن ۷۵ سالگی در رُم به شهادت رسیده است. مرگ وی را به گفتار مسیح در یوحنا باب ۲۱ آیه ۱۸ و ۱۹ تشبیه می کنند. در زمان نرون به مرگ بوسیله صلیب محکوم شد، ول بنا به درخواست خودش، او را بصورت وارونه مصلوب کردند، چون خود را کوچکتر از آن می دانست که همانند مسیح مصلوب شود. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است.

شخصیت

شخصیت پطرس، شفاف و به راحتی قابل تجزیه و تحلیل بوده و بی تردید کاملا حقیقت داشته، که زندگی هیچکس همانند وی در تاریخ اناجیل بدین صورت شفاف و با قوت دیده نمی شود. شیوه زندگی او، به حق وی را شاهزاده رسولان می سازد و در واقع به نظر می رسد که در اغلب مواقع، وی رهبری گروه رسولان را به عهده داشته، نام وی در اول لیست شاگردان مسیح آمده، و او سخنران آنان برای عموم مردم بوده است. او امیدوار، دلیر، مطمئن، با جرات، رک گو، عمل کننده، پر انرژی، قوی، پر قوت، با محبت و پر از ایمان به استاد خود تا جایی که مصلوب گردید، بوده است. وی دارای سرشت و طبیعت اخلاقی عجیب و ناهماهنگی بود، گاهی اوقات او را عجول و بی پروا می بینیم، که خود را جلو می انداخته است. اما بعدها با فیض خداوند، او بر این نقایص پیروز شده و وارد فروتنی و تواضع و ملایمتی بسیار زیبا می شود که در دو رساله نوشته شده توسط او، کاملا هویدا و خود را نشان می دهد.

رهبریت او بر سایر رسولان در بعضی مواقع، نشان بر برتری وی بر سایر رسولان نیست. نه عیسای مسیح او را برتر قرار داد و نه خود پطرس چنین ادعایی را کرد و نه هرگز به خاطر نزدیکی و معاشرت وی با دیگران به او واگذار شد.

رسالات

دو رساله توسط پطرس در اواخر زندگیش نوشته شده است و زمان نوشتن رسالات در رساله دوم او، کاملا دیده می شود. روش نگارش هر دو رساله از یک سبک برخوردار بوده و نمایانگر آن است که توسط یک نفر نوشته شده است. پطرس در اولین رساله به نام خود اشاره می کند. این رسالات بویژه برای یهودیانی که مسیحی شده بودند و در شهرهای مختلفی در آسیای صغیر پراکنده و زندگی می کردند، نوشته شده است. رساله اول در بابل نوشته شده است، که در آن زمان ویران شده و از آن تنها شهر کوچکی در کنار رود فرات باقی مانده و هنوز مورد توجه گروهی از مردم وبخصوص یهودیان بوده است.

نماد

نماد پطرس دو کلید بصورت ضربدر و یک صلیب وارونه می باشد، که معمولا روی تصویر یک سپر کشیده می شود. تصویر کلید به واسطه آن است که پس از آنکه پطرس به عیسی پاسخ داد که او مسیح، پسر خدای زنده است. عیسی کلیدهای ملکوت آسمان را به وی سپرد.

تصویر صلیب وارونه، نمادی از به شهادت رسیدن پطرس است، که به خاطر تقاضای خودش به صورت وارونه به صلیب کشیده شد.

بیست و نهم ماه ژوئن (June) هر سال، روزی است که برای یادبود پطرس، اختصاص یافته است.

منابع کتاب مقدس: متی باب ۴، ۸، ۱۴، ۱۶، ۱۰، ۱۷ و ۲۶ – یوحنا باب ۱، ۲، ۶، ۱۳، ۲۰ و ۲۱ – لوقا باب ۵، ۶، ۱۸، ۲۲ و ۲۴ – مرقس باب ۱، ۵، ۱۰ و ۱۶ – قرتیان اول باب ۹ و ۱۵ – اعمال باب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲ و ۱۵ – غلاطیان باب ۲ – پطرس اول باب ۱ و ۵ – پطرس دوم باب ۱ و ۳

متی باب ۱۶ آیه ۱۵ تا ۱۹

۱۵ ایشان را گفت: «شما مرا که می‌دانید؟» ۱۶ شمعون پطرس در جواب گفت که «تویی مسیح، پسر خدای زنده!» ۱۷ عیسی در جواب وی گفت: «خوشبحال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است. ۱۸ و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت. ۱۹ و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم؛ و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود.»

یوحنا باب ۱ آیه ۴۰ تا ۴۴

۴۰ بدیشان گفت: «بیایید و ببینید.» آنگاه آمده، دیدند که کجا منزل دارد، و آن روز را نزد او بماندند و قریب به ساعت دهم بود. ۴۱ و یکی از آن دو که سخن یحیی را شنیده، پیروی او نمودند، اندریاس برادر شمعون پطرس بود. ۴۲ او اول برادر خود شمعون را یافته، به او گفت: «مسیح را (که ترجمه آن کرسستس است) یافتیم.» و چون او را نزد عیسی آورد، عیسی بدو نگریسته، گفت: «تو شمعون پسر یونا هستی؛ و اکنون کیفا خوانده خواهی شد (که ترجمه آن پطرس است).» ۴۳ بامدادان چون عیسی خواست به سوی جلیل روانه شود، فیلیپس را یافته، بدو گفت: «از عقب من بیا.» ۴۴ و فیلیپس از بیت صیدا از شهر اندریاس و پطرس بود.

متی باب ۴ آیه ۱۹

۱۹ بدیشان گفت: «از عقب من آیید تا شما را صیاد مردم گردانم.»

لوقا باب ۶ آیه ۱۳ تا ۱۴

۱۳ و چون روز شد، شاگردان خود را پیش طلبیده دوازده نفر از ایشان را انتخاب کرده، ایشان را نیز رسول خواند. ۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما،

متی باب ۱۰ آیه ۲ تا ۴

۲ و نامهای دوازده رسول این است: اول شمعون معروف به پطرس و برادرش اندریاس؛ یعقوب بن زبدي و برادرش یوحنا؛ ۳ فیلیپس و برتولما؛ توما و متای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لیبی معروف به تدی؛ ۴ شمعون قانونی و یهودای اسخریوطی که او را تسلیم نمود.

لوقا باب ۶ آیه ۱۴ تا ۱۶

۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما، ۱۵ متی و توما، یعقوب ابن حلفی و شمعون معروف به غیور. ۱۶ یهودا برادر یعقوب و یهودای اسخریوطی که تسلیم کننده وی بود.

مرقس باب ۱ آیه ۳۰

۳۰ و مادر زن شمعون تب کرده، خوابیده بود. در ساعت وی را از حالت او خبر دادند.

متی باب ۸ آیه ۱۴ تا ۱۵

۱۴ و چون عیسی به خانه پطرس آمد، مادر زن او را دید که تب کرده، خوابیده است. ۱۵ پس دست او را لمس کرد و تب او را رها کرد. پس برخاسته، به خدمتگزاری ایشان مشغول گشت.

لوقا باب ۵ آیه ۱ تا ۱۱

۱ و هنگامی که گروهی بر وی ازدحام می‌نمودند تا کلام خدا را بشنوند، او به کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود. ۲ و دو زورق را در کنار دریاچه ایستاده دید که صیادان از آنها بیرون آمده، دامهای خود را شست و شو می‌نمودند. ۳ پس به یکی از آن دو زورق که مال شمعون بود سوار شده، از او درخواست نمود که از خشکی اندکی دور ببرد. پس در زورق نشسته، مردم را تعلیم می‌داد. ۴ و چون از سخن گفتن فارغ شد، به شمعون گفت: «به میانه دریاچه بران و دامهای خود را برای شکار بیندازید.» ۵ شمعون در جواب وی گفت: «ای استاد، تمام شب را رنج برده چیزی نگرفتیم، لیکن به حکم تو، دام را خواهیم انداخت.» ۶ و چون چنین کردند، مقداری کثیر از ماهی صید کردند، چنانکه نزدیک بود دام ایشان گسسته شود. ۷ و به رفقای خود که در زورق دیگر بودند اشاره کردند که آمده ایشان را امداد کنند. پس

آمده هر دو زورق را پر کردند بقسمی که نزدیک بود غرق شوند. ۸ شمعون پطرس چون این را بدید، بر پایهای عیسی افتاده، گفت: «ای خداوند از من دور شوزیرا مردی گناهارم.» ۹ چونکه بهسبب صید ماهی که کرده بودند، دهشت بر او و همه رفقای وی مستولی شده بود. ۱۰ و هم چنین نیز بر یعقوب و یوحنا پسران زبدي که شریک شمعون بودند. عیسی به شمعون گفت: «مترس. پس از این مردم را صید خواهی کرد.» ۱۱ پس چون زورقها را به کنار آوردند، همه را ترک کرده، از عقب او روانه شدند .

مرقس باب ۵ آیه ۳۵ تا ۴۵

۳۵ او هنوز سخن می‌گفت که بعضی از خانه رئیس کنیسه آمده، گفتند: «دخترت فوت شده؛ دیگر برای چه استاد را زحمت می‌دهی؟» ۳۶ عیسی چون سخنی را که گفته بودند شنید، در ساعت به رئیس کنیسه گفت: «مترس ایمان آور و بس!» ۳۷ و جز پطرس و یعقوب و یوحنا برادر یعقوب، هیچ کس را اجازت نداد که از عقب او بیایند. ۳۸ پس چون به خانه رئیس کنیسه رسیدند، جمعی شوریده دید که گریه و نوحه بسیار می‌نمودند. ۳۹ پس داخل شده، بدیشان گفت: «چرا غوغا و گریه می‌کنید؟ دختر نمرده بلکه در خواب است.» ۴۰ ایشان بر وی سُخریه کردند. لیکن او همه را بیرون کرده، پدر و مادر دختر را با رفیقان خویش برداشته، به جایی که دختر خوابیده بود، داخل شد. ۴۱ پس دست دختر را گرفته، به وی گفت: «طَلِیتا قومی.» که معنی آن این است: «ای دختر، تو را می‌گویم برخیز.» ۴۲ در ساعت دختر برخاسته، خرامیدزیرا که دوازده ساله بود. ایشان بی‌نهایت متعجب شدند. ۴۳ پس ایشان را به تاکید بسیار فرمود: «کسی از این امر مطلع نشود.» و گفت تا خوراکی بدو دهند .

متی باب ۱۷ آیه ۲۴ تا ۳۶

۲۴ و چون ایشان وارد کفرناحوم شدند، محتملان دو درهم نزد پطرس آمده، گفتند: «آیا استاد شما دو درهم را نمی‌دهد؟» ۲۵ گفت: «بلی.» و چون به خانه درآمده، عیسی بر او سبقت نموده، گفت: «ای شمعون، چه گمان داری؟ پادشاهان جهان از چه کسان عشر و جزیه می‌گیرند؟ از فرزندان خویش یا از بیگانگان؟» ۲۶ پطرس به وی گفت: «از بیگانگان.» عیسی بدو گفت: «پس یقیناً پسران آژاندند! ۲۷ لیکن مبادا که ایشان را برنجانیم، به کناره دریا رفته، قلبی بینداز و اول ماهی که بیرون می‌آید، گرفته و دهانش را باز کرده، مبلغ چهار درهم خواهی یافت. آن را برداشته، برای من و خود بدیشان بده .» !

قرتیان اول باب ۹ آیه ۵

۵ آیا اختیار نداریم که خواهر دینی را به زنی گرفته، همراه خود ببریم، مثل سایر رسولان و برادران خداوند و کیفا؟

یوحنا باب ۲ آیه ۱۱ تا ۱۲

۱۱ و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند. ۱۲ و بعد از آن او با مادر و برادران و شاگردان خود به کفرناحوم آمد و در آنجا ایامی کم ماندند .

مرقس باب ۱ آیه ۲۹

۲۹ و از کنیسه بیرون آمده، فوراً با یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و اندریاس درآمدند .

مرقس باب ۱۰ آیه ۲۸

۲۸ پطرس بدو گفتن گرفت که «اینک ما همه چیز را ترک کرده، تو را پیروی کرده‌ایم .»

لوقا باب ۱۸ آیه ۲۸

۲۸ پطرس گفت: «اینک ما همه چیز را ترک کرده، پیروی تو می‌کنیم .»

متی باب ۱۴ آیه ۲۵ تا ۳۱

۲۵ و در پاس چهارم از شب، عیسی بر دریا خرامیده، بهسوی ایشان روانه گردید. ۲۶ اما چون شاگردان، او را بر دریا خرامان دیدند، مضطرب شده، گفتند که خیالی است؛ و از خوف فریاد برآوردند. ۲۷ اما عیسی ایشان را بی‌تأمل خطاب کرده، گفت: «خاطر جمع دارید! منم، ترسان مباشید!» ۲۸ پطرس در جواب او گفت: «خداوندا، اگر تویی مرا بفرما تا بر روی آب، نزد تو آیم.» ۲۹ گفت: «بیا!» در ساعت پطرس از کشتی فرود شده، بر روی آب روانه شد تا نزد عیسی آید.

۳۰ لیکن چون باد را شدید دید، ترسان گشت و مشرف به غرق شده، فریاد برآورده، گفت: «خداوندا، مرا دریاب.» ۳۱ عیسی بی‌درنگ دست آورده، او را بگرفت و گفت: «ای کم ایمان، چرا شک آوردی؟»

متی باب ۱۶ آیه ۱۵ تا ۱۹

۱۵ ایشان را گفت: «شما مرا که می‌دانید؟» ۱۶ شمعون پطرس در جواب گفت که «تویی مسیح، پسر خدای زنده!» ۱۷ عیسی در جواب وی گفت: «خوشبحال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است. ۱۸ و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت. ۱۹ و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم؛ و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود.»

یوحنا باب ۶ آیه ۶۶ تا ۶۹

۶۶ در همان وقت بسیاری از شاگردان او برگشته، دیگر با او همراهی نکردند. ۶۷ آنگاه عیسی به آن دوازده گفت: «آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟» ۶۸ شمعون پطرس به او جواب داد: «خداوندا نزد که برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو است. ۶۹ و ما ایمان آورده و شناخته‌ایم که تو مسیح پسر خدای حی هستی.»

متی باب ۱۷ آیه ۱ تا ۴

۱ و بعد از شش روز، عیسی، پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته، ایشان را در خلوت به کوهی بلند برد. ۲ و در نظر ایشان هیأت او متبدل گشت و چهره‌اش چون خورشید، درخشنده و جامه‌اش چون نور، سفید گردید. ۳ که ناگاه موسی و الیاس بر ایشان ظاهر شده، با او گفتگو می‌کردند. ۴ اما پطرس به عیسی متوجه شده، گفت که «خداوندا، بودن ما در اینجا نیکو است! اگر بخواهی، سه سایبان در اینجا بسازیم، یکی برای تو و یکی بجهت موسی و دیگری برای الیاس.»

لوقا باب ۲۲ آیه ۷ تا ۸

۷ اما چون روز فطیر که در آن می‌بایست فصح را ذبح کنند رسید، ۸ پطرس و یوحنا را فرستاده، گفت: «بروید و فصح را بجهت ما آماده کنید تا بخوریم.»

لوقا باب ۲۲ آیه ۳۱ تا ۳۴

۳۱ پس خداوند گفت: «ای شمعون، ای شمعون، اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند، ۳۲ لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود؛ و هنگامی که تو بازگشت کنی برادران خود را استوار نما.» ۳۳ به وی گفت: «ای خداوند حاضر که با تو بروم حتی در زندان و در موت.» ۳۴ گفت: «تو را می‌گویم ای پطرس، امروز خروس بانگ نزده باشد که سه مرتبه انکار خواهی کرد که مرا نمی‌شناسی.»

یوحنا باب ۱۳ آیه ۶ تا ۹

۶ پس چون به شمعون پطرس رسید، او به وی گفت: «ای آقا تو پایهای مرا می‌شویی؟» ۷ عیسی در جواب وی گفت: «آنچه من می‌کنم الان تو نمی‌دانی، لکن بعد خواهی فهمید.» ۸ پطرس به او گفت: «پایهای مرا هرگز نخواهی شست.» عیسی او را جواب داد: «اگر تو را نشویم تو را با من نصیبی نیست.» ۹ شمعون پطرس بدو گفت: «ای آقا نه پایهای مرا و بس، بلکه دستها و سر مرا نیز.»

متی باب ۲۶ آیه ۳۷ تا ۴۳

۳۷ و پطرس و دو پسر زبیدی را برداشته، بی‌نهایت غمگین و دردناک شد. ۳۸ پس بدیشان گفت: «نفس من از غایت الم مشرف به موت شده است. در اینجا مانده با من بیدار باشید.» ۳۹ پس قدری پیش رفته، به روی در افتاد و دعا کرده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.» ۴۰ و نزد شاگردان خود آمده، ایشان را در خواب یافت. و به پطرس گفت: «آیا همچین نمی‌توانستید یک ساعت با من بیدار باشید؟ ۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید! روح راغب است، لیکن جسم ناتوان.» ۴۲ و بار دیگر

رفته، باز دعا نموده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن از من بگذرد، آنچه اراده تو است بشود.» ۴۳ و آمده، باز ایشان را در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود .

لوقا باب ۲۲ آیه ۴۵

۴۵ پس از دعا برخاسته، نزد شاگردان خود آمده، ایشان را از حزن در خواب یافت .

لوقا باب ۲۲ آیه ۴۹ تا ۵۰

۴۹ رفقاییش چون دیدند که چه می‌شود، عرض کردند: «خداوندا به شمشیر بزنیم؟» ۵۰ و یکی از ایشان، غلام رئیس کهنه را زده، گوش راست او را از تن جدا کرد .

لوقا باب ۲۲ آیه ۵۴ تا ۶۲

۵۴ پس او را گرفته بردند و به سرای رئیس کهنه آوردند و پطرس از دور از عقب می‌آمد. ۵۵ و چون در میان ایوان آتش افروخته، گردش نشسته بودند، پطرس در میان ایشان بنشست. ۵۶ آنگاه کنیزکی چون او را در روشنی آتش نشسته دید، بر او چشم دوخته، گفت: «این شخص هم با او می‌بود.» ۵۷ او وی را انکار کرده، گفت: «ای زن او را نمی‌شناسم.» ۵۸ بعد از زمانی دیگری او را دیده گفت: «تو از اینها هستی.» پطرس گفت: «ای مرد، من نیستم.» ۵۹ و چون تخمیناً یک ساعت گذشت، یکی‌دیگر با تأکید گفت: «بلاشک این شخص از رفقای او است زیرا که جلیلی هم هست.» ۶۰ پطرس گفت: «ای مرد نمی‌دانم چه می‌گویی؟» در همان ساعت که این را می‌گفت، خروس بانگ زد. ۶۱ آنگاه خداوند روگردانیده، به پطرس نظر افکند. پس پطرس آن کلامی را که خداوند به وی گفته بود به‌خاطر آورد که «قبل از بانگ زدن خروس سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد.» ۶۲ پس پطرس بیرون رفته، زارزار بگریست .

متی باب ۲۶ آیه ۷۰ تا ۷۵

۷۰ او روبروی همه انکار نموده، گفت: «نمی‌دانم چه می‌گویی!» ۷۱ و چون به دهلیز بیرون رفت، کنیزی دیگر او را دیده، به حاضرین گفت: «این شخص نیز از رفقای عیسی ناصری است!» ۷۲ باز قسم خورده، انکار نمود که «این مرد را نمی‌شناسم.» ۷۳ بعد از چندی، آنانی که ایستاده بودند پیش آمده، پطرس را گفتند: «البته تو هم از اینها هستی زیرا که لهجه تو بر تو دلالت می‌نماید!» ۷۴ پس آغاز لعن کردن و قسم خوردن نمود که «این شخص را نمی‌شناسم.» و در ساعت خروس بانگ زد. ۷۵ آنگاه پطرس سخن عیسی را به یاد آورد که گفته بود: «قبل از بانگ زدن خروس، سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد.» پس بیرون رفته زار زار بگریست .

یوحنا باب ۲۰ آیه ۱ تا ۷

۱ بامدادان در اول هفته، وقتی که هنوز تاریک بود، مریم مجدلیه به سر قبر آمد و دید که سنگ از قبر برداشته شده است. ۲ پس دوان دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست می‌داشت آمده، به ایشان گفت: «خداوند را از قبر برده‌اند و نمی‌دانیم او را کجا گذارده‌اند.» ۳ آنگاه پطرس و آن شاگرد دیگر بیرون شده، به جانب قبر رفتند. ۴ و هر دو با هم می‌دویدند، اما آن شاگرد دیگر از پطرس پیش افتاده، اول به قبر رسید، ۵ و خم شده، کفن را گذاشته دید، لیکن داخل نشد. ۶ بعد شمعون پطرس نیز از عقب او آمد و داخل قبرگشته، کفن را گذاشته دید، ۷ و دستمالی را که بر سر او بود، نه با کفن نهاده، بلکه در جای علی حده پیچیده .

مرقس باب ۱۶ آیه ۵ تا ۷

۵ و چون به قبر درآمدند، جوانی را که جامه‌ای سفید در برداشت بر جانب راست نشسته دیدند. پس متحیر شدند. ۶ او بدیشان گفت: «ترسان مباشید! عیسی ناصری مصلوب را می‌طلبید؟ او برخاسته است! در اینجا نیست. آن موضعی را که او را نهاده بودند، ملاحظه کنید. ۷ لیکن رفته، شاگردان او و پطرس را اطلاع دهید که پیش از شما به جلیل می‌رود. او را در آنجا خواهید دید، چنانکه به شما فرموده بود .»

قرنتیان اول باب ۱۵ آیه ۵

۵ و اینکه به کیفا ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده،

لوقا باب ۲۴ آیه ۳۴

۳۴ می‌گفتند: "خداوند در حقیقت برخاسته و به شمعون ظاهر شده است."

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱ تا ۷

۱ بعد از آن عیسی باز خود را در کناره دریای طبریه، به شاگردان ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت: ۲ شمعون پطرس و تومای معروف به توأم و تتنائیل که از قانای جلیل بود و دو پسر زبدی و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند. ۳ شمعون پطرس به ایشان گفت: "می‌روم تا صید ماهی کنم." به او گفتند: "مانیز با تو می‌آییم." پس بیرون آمده، به کشتی سوار شدند و در آن شب چیزی نگرفتند. ۴ و چون صبح شد، عیسی بر ساحل ایستاده بود لیکن شاگردان ندانستند که عیسی است. ۵ عیسی بدیشان گفت: "ای بچه‌ها نزد شما خوراکی هست؟" به او جواب دادند که "نی." ۶ بدیشان گفت: "دام را به طرف راست کشتی بیندازید که خواهید یافت." پس انداختند و از کثرت ماهی نتوانستند آن را بکشند. ۷ پس آن شاگردی که عیسی او را محبت می‌نمود به پطرس گفت: "خداوند است." چون شمعون پطرس شنید که خداوند است، جامه خود را به خویشتن پیچید چونکه برهنه بود و خود را در دریا انداخت.

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱۸ تا ۱۹

۱۸ آمین آمین به تو می‌گویم وقتی که جوان بودی، کمر خود را می‌بستی و هر جا می‌خواستی می‌رفتی و لکن زمانی که پیر شوی دستهای خود را دراز خواهی کرد و دیگران تو را بسته به جایی که نمی‌خواهی تو را خواهند برد. ۱۹ و بدین سخن اشاره کرد که به چه قسم موت خدا را جلال خواهد داد و چون این را گفت، به او فرمود: "از عقب من بیا."

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱۵

۱۵ و بعد از غذا خوردن، عیسی به شمعون پطرس گفت: "ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از اینها محبت می‌نمایی؟" بدو گفت: "بلی خداوندا، تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم." بدو گفت: "بره‌های مرا خوراک بده."

اعمال باب ۱ آیه ۱۵ تا ۲۶

۱۵ و در آن ایام، پطرس در میان برادران که عدد اسامی ایشان جمله قریب به صد و بیست بود برخاسته، گفت: ۱۶ "ای برادران، می‌بایست آن نوشته تمام شود که روح القدس از زبان داود پیش گفت درباره یهودا که راهنما شد برای آنانی که عیسی را گرفتند. ۱۷ که او با ما محسوب شده، نصیبی در این خدمت یافت. ۱۸ پس او از اجرت ظلم خود، زمینی خریده، به روی در افتاده، از میان پاره شد و تمامی امعایش ریخته گشت. ۱۹ و بر تمام سکنه اورشلیم معلوم گردید چنانکه آن زمین در لغت ایشان به حقل دما، یعنی زمین خون نامیده شد. ۲۰ زیرا در کتاب زبور مکتوب است که خانه او خراب بشود و هیچ‌کس در آن مسکن نگیرد و نظارتش را دیگری ضبط نماید. ۲۱ الحال می‌باید از آن مردمانی که هم‌راهم ما بودند، در تمام آن مدتی که عیسی خداوند با ما آمد و رفت می‌کرد، ۲۲ از زمان تعمید یحیی، تا روزی که از نزد ما بالا برده شد، یکی از ایشان با ما شاهد برخاستن او بشود." ۲۳ آنگاه دو نفر یعنی یوسف مسمی به برسبا که به یوستس ملقب بود و متیاس را برپا داشتند، ۲۴ و دعا کرده، گفتند: "تو ای خداوند که عارف قلوب همه هستی، بنما کدام یک از این دو را برگزیده‌ای ۲۵ تا قسمت این خدمت و رسالت را بیابد که یهودا از آن باز افتاده، به مکان خود پیوست." ۲۶ پس قرعه به نام ایشان افکندند و قرعه به نام متیاس برآمد و او با یازده رسول محسوب گشت.

اعمال باب ۲ آیه ۱۴ تا ۱۸

۱۴ پس پطرس با آن یازده برخاسته، آواز خود را بلند کرده، بدیشان گفت: "ای مردان یهود و جمیع سکنه اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فرا گیرید. ۱۵ زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شما گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم از روز است. ۱۶ بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت ۱۷ که "خدا می‌گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شمارویاها و پیران شما خوابها خواهند دید؛ ۱۸ و بر غلامان و کنیزان خود در آن ایام از روح خود خواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند نمود."

اعمال باب ۲ آیه ۳۷ تا ۴۰

۳۷ چون شنیدند دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: "ای برادران چه کنیم؟" ۳۸ پطرس بدیشان گفت:

“توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطاى روح القدس را خواهید یافت. ۳۹ زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند.” ۴۰ و به سخنان بسیار دیگر، بدیشان شهادت داد و موعظه نموده، گفت که “خود را از این فرقه کجرو رستگار سازید.”

اعمال باب ۳ آیه ۱ تا ۸

۱ و در ساعت نهم، وقت نماز، پطرس و یوحنا با هم به هیکل می‌رفتند. ۲ ناگاه مردی را که لنگ مادرزاد بود می‌بردند که او را هر روزه بر آن در هیکل که جمیل نام دارد می‌گذاشتند تا از روندگان به هیکل صدقه بخواهد. ۳ آن شخص چون پطرس و یوحنا را دید که می‌خواهند به هیکل داخل شوند، صدقه خواست. ۴ اما پطرس با یوحنا بر وی نیک نگریسته، گفت: “به ما بنگر.” ۵ پس بر ایشان نظر افکنده، منتظر بود که از ایشان چیزی بگیرد. ۶ آنگاه پطرس گفت: “مرا طلا و نقره نیست، اما آنچه دارم به تو می‌دهم. به نام عیسی مسیح ناصری بر خیز و بخرام!” ۷ و دست راستش را گرفته، او را بر خیزانید که در ساعت پایها وساقهای او قوت گرفت ۸ و برجسته، بایستاد و خرامید و با ایشان خرامان و جست و خیزکنان و خدا را حمدگویان داخل هیکل شد.

اعمال باب ۴ آیه ۱۳

۱۳ پس چون دلیری پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که مردم بی‌علم و امی هستند، تعجب کردند و ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند.

اعمال باب ۵ آیه ۱۶ تا ۲۵

۱۶ و گروهی از بلدان اطراف اورشلیم، بیماران و رنج‌دیدگان ارواح پلیده را آورده، جمع شدند و جمیع ایشان شفا یافتند. ۱۷ اما رئیس کهنه و همه رفقاییش که از طایفه صدوقیان بودند، برخاسته، به غیرت پر گشتند ۱۸ و بر رسولان دست انداخته، ایشان را در زندان عام انداختند. ۱۹ شبانگاه فرشته خداوند درهای زندان را باز کرده و ایشان را بیرون آورده، گفت: ۲۰ “بروید و در هیکل ایستاده، تمام سخنهاى این حیات را به مردم بگویید.” ۲۱ چون این را شنیدند، وقت فجر به هیکل درآمد، تعلیم دادند. اما رئیس کهنه و رفیقانش آمده، اهل شورا و تمام مشایخ بنی‌اسرائیل را طلب نموده، به زندان فرستادند تا ایشان را حاضر سازند. ۲۲ پس خادمان رفته، ایشان را در زندان نیافتند و برگشته، خبر داده، ۲۳ گفتند که “زندان را به احتیاط تمام بسته یافتیم و پاسبانان را بیرون درها ایستاده؛ لیکن چون باز کردیم، هیچ‌کس را در آن نیافتیم.” ۲۴ چون کاهن و سردار سپاه هیکل و روسای کهنه این سخنان را شنیدند، درباره ایشان در حیرت افتادند که “این چه خواهد شد؟” ۲۵ آنگاه کسی آمده، ایشان را آگاهانید که اینک آن کسانی که محبوس نمودید، در هیکل ایستاده، مردم را تعلیم می‌دهند.

اعمال باب ۵ آیه ۳۳ تا ۴۰

۳۳ چون شنیدند دلریش گشته، مشورت کردند که ایشان را به قتل رسانند. ۳۴ اما شخصی فریسی، غمالائیل نام که مفتی و نزد تمامی خلق محترم بود، در مجلس برخاسته، فرمود تا رسولان را ساعتی بیرون برند. ۳۵ پس ایشان را گفت: “ای مردان اسرائیلی، بر حذر باشید از آنچه می‌خواهید با این اشخاص بکنید. ۳۶ زیرا قبل از این ایام، تیودا نامی برخاسته، خود را شخصی می‌پنداشت و گروهی قریب به چهارصد نفر بدو پیوستند. او کشته شد و متابعانش نیز پراکنده و نیست گردیدند. ۳۷ و بعد از او یهودای جلیلی در ایام اسم‌نویسی خروج کرد و جمعی را در عقب خود کشید. او نیز هلاک شد و همه تابعان او پراکنده شدند. ۳۸ الان به شما می‌گویم از این مردم دست بردارید و ایشان را واگذارید زیرا اگر این رای و عمل از انسان باشد، خود تباه خواهد شد. ۳۹ ولی اگر از خدا باشد، نمی‌توانید آن را بر طرف نمود مبادا معلوم شود که با خدا منازعه می‌کنید.” ۴۰ پس به سخن او رضا دادند و رسولان را حاضر ساخته، تازیانه زدند و قدغن نمودند که دیگر به نام عیسی حرف نزنند پس ایشان را مرخص کردند.

اعمال باب ۸ آیه ۱۴ تا ۱۵

۱۴ اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند. ۱۵ و ایشان آمده، بجهت ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند.

اعمال باب ۸ آیه ۲۵

۲۵ پس ارشاد نموده و به کلام خداوند تکلم کرده، به اورشلیم برگشتند و در بسیاری از بلدان اهل سامره بشارت دادند.

اعمال باب ۹ آیه ۳۲ تا ۴۳

۳۲ اما پطرس در همه نواحی گشته، نزد مقدسین ساکن شده نیز فرود آمد. ۳۳ و در آنجا شخصی اینیاس نام یافت که مدت هشت سال از مرض فالج بر تخت خوابیده بود. ۳۴ پطرس وی را گفت: "ای اینیاس، عیسی مسیح تو را شفا می‌دهد. برخیز و بستر خود را برچین که او در ساعت برخاست." ۳۵ و جمیع سکنه لده و سارون او را دیده، به سوی خداوند بازگشت کردند. ۳۶ و در یافا، تلمیذهای طابیتا نام بود که معنی آن غزال است. وی از اعمال صالحه و صدقاتی که می‌کرد، پر بود. ۳۷ از قضا در آن ایام او بیمار شده، بمرد و او را غسل داده، در بالاخانه‌ای گذاردند. ۳۸ و چونکه لده نزدیک به یافا بود و شاگردان شنیدند که پطرس در آنجا است، دو نفر نزد او فرستاده، خواهش کردند که "در آمدن نزد ما درنگ نکنی." ۳۹ آنگاه پطرس برخاسته، با ایشان آمد و چون رسید او را بدان بالاخانه بردند و همه بیوه‌زنان گریه‌کنان حاضر بودند و پیراهنها و جامه‌هایی که غزال وقتی که با ایشان بود دوخته بود، به وی نشان می‌دادند. ۴۰ اما پطرس همه را بیرون کرده، زانو زد و دعا کرده، به سوی بدن توجه کرد و گفت: "ای طابیتا، برخیز!" که در ساعت چشمان خود را باز کرد و پطرس را دیده، بنشست. ۴۱ پس دست او را گرفته، برخیزانیدش و مقدسان و بیوه‌زنان را خوانده، او را بدیشان زنده سپرد. ۴۲ چون این مقدمه در تمامی یافا شهرت یافت، بسیاری به خداوند ایمان آوردند. ۴۳ و در یافا نزد دباغی شمعون نام روزی چند توقف نمود.

اعمال باب ۱۱ آیه ۱ تا ۳

۱ پس رسولان و برادرانی که در یهودیه بودند، شنیدند که امت‌ها نیز کلام خدا را پذیرفته‌اند. ۲ و چون پطرس به اورشلیم آمد، اهل ختنه با وی معارضه کرده، ۳ گفتند که "با مردم نامختون برآمده، با ایشان غذا خوردی!"

اعمال باب ۱۲ آیه ۱ تا ۹

۱ و در آن زمان هیرودیس پادشاه، دست‌تاول بر بعضی از کلیسا دراز کرد ۲ و یعقوب برادر یوحنا را به شمشیر کشت. ۳ و چون دید که یهود را پسند افتاد، بر آن افزوده، پطرس را نیز گرفتار کرد و ایام فطیر بود. ۴ پس او را گرفته، در زندان انداخت و به چهار دسته رباعی سپاهیان سپرد که او را نگاهبانی کنند و اراده داشت که بعد از صبح او را برای قوم بیرون آورد. ۵ پس پطرس را در زندان نگاه می‌داشتند. اما کلیسا بجهت او نزد خدا پیوسته دعا می‌کردند. ۶ و در شبی که هیرودیس قصد بیرون آوردن وی داشت، پطرس به دو زنجیر بسته، در میان دو سپاهی خفته بود و کشیکچیان نزد در زندان را نگاهبانی می‌کردند. ۷ ناگاه فرشته خداوند نزد وی حاضر شد و روشنی در آن خانه درخشید. پس به پهلوی پطرس زده، او را بیدار نمود و گفت: "بزودی برخیز." که در ساعت زنجیرها از دستش فرو ریخت. ۸ و فرشته وی را گفت: "کمر خود را ببند و نعلین برپا کن." پس چنین کرد و به وی گفت: "ردای خود را بپوش و از عقب من بیا." ۹ پس بیرون شده، از عقب او روانه گردید و ندانست که آنچه از فرشته روی نمود حقیقی است بلکه گمان برد که خواب می‌بیند.

اعمال باب ۱۵ آیه ۵ تا ۱۱

۵ آنگاه بعضی از فرقه فریسیان که ایمان آورده بودند، برخاسته، گفتند: "اینها را باید ختنه نمایند و امرکنند که سنن موسی را نگاه دارند." ۶ پس رسولان و کشیشان جمع شدند تا در این امر مصلحت بینند. ۷ و چون مباحثه سخت شد، پطرس برخاسته، بدیشان گفت: "ای برادران عزیز، شما آگاهید که از ایام اول، خدا از میان شما اختیار کرد که امت‌ها از زبان من کلام بشارت را بشنوند و ایمان آورند. ۸ و خدای عارف‌القلوب بر ایشان شهادت داد بدین که روح القدس را

بدیشان داد، چنانکه به ما نیز. ۹ و در میان ما و ایشان هیچ فرق نگذاشت، بلکه محض ایمان دلهای ایشان را طاهر نمود. ۱۰ پس اکنون چرا خدا را امتحان می‌کنید که یوغی بر گردن شاگردان می‌نهد که پدران ما و ما نیز طاقت تحمل آن را نداشتیم، ۱۱ بلکه اعتقاد داریم که محض فیض خداوند عیسی مسیح نجات خواهیم یافت، همچنان که ایشان نیز.”

غلاطیان باب ۲ آیه ۱۱ تا ۱۶

۱۱ اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را روبرو مخالفت نمودم زیرا که مستوجب ملامت بود، ۱۲ چونکه قبل از آمدن بعضی از جانب یعقوب، با امت‌ها غذا می‌خورد؛ ولی چون آمدند، از آنانی که اهل ختنه بودند ترسیده، باز ایستاد و خویشتن را جدا ساخت. ۱۳ و سایر یهودیان هم با وی نفاق کردند، بحدی که برنابا نیز در نفاق ایشان گرفتار شد. ۱۴ ولی چون دیدم که به راستی انجیل به استقامت رفتار نمی‌کنند، پیش روی همه پطرس را گفتم: “اگر تو که یهود هستی، به طریق امت‌ها و نه به طریق یهود زیست می‌کنی، چون است که امت‌ها را مجبور می‌سازی که به طریق یهود رفتار کنند؟” ۱۵ ما که طبعاً یهود هستیم و نه گناهکاران از امت‌ها، ۱۶ اما چونکه یافتیم که هیچ‌کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد.

پطرس اول باب ۵ آیه ۱۳

۱۳ خواهر برگزیده با شما که در بابل است و پسر من مرقس به شما سلام می‌رساند.

پطرس دوم باب ۱ آیه ۱۲ تا ۱۵

۱۲ لهذا از پیوسته یاد دادن شما از این امور غفلت نخواهم ورزید، هرچند آنها را می‌دانید و در آن راستی که نزد شما است استوار هستید. ۱۳ لکن این را صواب می‌دانم، مادامی که در این خیمه هستم، شما را به یاد آوری برانگیزانم. ۱۴ چونکه می‌دانم که وقت بیرون کردن خیمه من نزدیک است، چنانکه خداوند ما عیسی مسیح نیز مرا آگاهانید. ۱۵ و برای این نیز کوشش می‌کنم تا شما در هر وقت بعد از رحلت من، بتوانید این امور را یاد آورید.

پطرس اول باب ۱ آیه ۱ تا ۲

۱ پطرس، رسول عیسی مسیح، به غریبانی که پراکنده‌اند در پنطس و غلاطیه و قیپدوقیه و آسیا و بطنیه؛ ۲ برگزیدگان برحسب علم سابق خدای پدر، به تقدیس روح برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح. فیض و سلامتی بر شما افزون باد.

پطرس دوم باب ۳ آیه ۱

۱ این رساله دوم را ای حیبیان الان به شما می‌نویسم که به این هردو، دل پاک شما را به طریق یادگاری برمی‌انگیزانم،

پطرس اول باب ۵ آیه ۱۳

۱۳ خواهر برگزیده با شما که در بابل است و پسر من مرقس به شما سلام می‌رساند.

اندریاس Andrew

لغت فوق به معنای جوانمرد می باشد.

اندریاس اولین نفر از دوازده رسول بود که به شاگردی مسیح خوانده شد. اندریاس شخصی ماهیگیر از اهالی بیت صیدا در شمال دریای جلیل بود. وی پسر یونا و برادر شمعون پطرس است. شغل وی ماهیگیری و با برادرش پطرس و با یعقوب و یوحنا پسران زبدي، شریک بوده و با هم به ماهیگیری می رفتند.

مرحل خوانده شدن

سه مرحله در خوانده شدن اندریاس به شاگردی وجود دارد. اولین مرحله در کتاب یوحنا باب یک توضیح داده شده است. اندریاس پس از شنیدن آوازه شهرت یحیی تعمید دهنده به بیت عبره (بیت عنیا) که در آنطرف رود اردن قرار داشت رفته و به شاگردان یحیی تعمید پیوست. عیسی مسیح نیز آنجا حضور داشت و اندریاس اولین نفری بود که پس از شنیدن پیغام یحیی تعمید دهنده در مورد عیسی مسیح که "اینک بره خدا"، و پس از آنکه اندریاس فهمید که عیسی همان مسیح است، به دنبال او راه افتاد و به شاگردی عیسی درآمد. وی یکی از دوازده شاگرد عیسی مسیح بود و برادر خود شمعون پطرس را نیز نزد مسیح آورد.

اندریاس احتمالاً در بازگشت مسیح به جلیل، او را همراهی می کرده و یکی از کسانی بوده که در جشن عروسی در قنای جلیل حضور داشته است. اندریاس در کفرناحوم نیز حضور داشته و احتمالاً با عیسی برای عید فصح به اورشلیم رفته است و در یهودیه همراه با سایر شاگردان مسیح نیز دیگران را تعمید می داده است.

اندریاس پس از بازگشت به جلیل، دوباره به شغل ماهیگیری ادامه داد تا برای دومین بار از طرف مسیح خوانده شد. پس از به زندان افتادن یحیی، عیسی اندریاس و پطرس را در کنار دریای جلیل دید و از آنها خواست که به دنبال او بروند. و از آنان خواست تا شغل خود را رها کرده تا آنان را میاد مردم گردانند. هر دو برادر شغل ماهیگیری را رها کرده و به دنبال مسیح رفتند. اندریاس سپس با خانواده خود در کفرناحوم ساکن گردید. در آخرین مرحله وی در لیست رسولان مسیح قرار گرفت.

حضور در دوران عیسی

نام اندریاس همیشه در بین اولین چهار شاگرد عیسی قرار داشته است. اندریاس یکی از چهار شاگردی بود که همراه مسیح در کوه زیتون بود و وی یکی از کسانی بود که در مورد خراب شدن ساختمانهای عظیم و هیکل از عیسی سوال کرد. او به همراه فلیپس یکی دیگر از شاگردان مسیح، در خواست یونانیان برای ملاقات با مسیح را به وی اطلاع دادند. اندریاس معرف پسری به عیسی بود که پنج نان جو و دوماهی داشت و عیسی بوسیله آن پنج هزار نفر را غذا داد.

زندگی پس از عروج مسیح

اندریاس پس از صعود عیسی مسیح به آسمان به اورشلیم بازگشته و با سایر شاگردان در بالا خانه ای به دعا مشغول شدند. در کتاب مقدس چیز بیشتری در مورد وی ذکر نشده است.

بنا بر روایات، اندریاس در شهر اخائیه واقع در یونان بوسیله صلیب به شهادت رسیده است. صلیب وی به شکل ضربدر X بوده است و مدت چند روز بر بالای صلیب، برای نمایش عموم قرار داشته و سرانجام بر اثر تشنگی از بین رفته است. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است.

نماد

نماد اندریاس یک صلیب به شکل ضربدر X می باشد، که معمولا روی تصویر یک سپر کشیده می شود. تصویر یک صلیب به شکل ضربدر X نمادی است که نشان دهنده آن است که اندریاس بر روی چنین صلیبی به شهادت رسیده است. سی ام ماه نوامبر (November) هر سال، روز یادبود اندریاس می باشد.

منابع کتاب مقدس: متی باب ۴، ۱۰ - یوحنا باب ۱ تا ۴، ۶، ۱۲ و ۲۱ - مرقس باب ۱، ۳، ۱۳ - لوقا باب ۶ - اعمال باب ۱

یوحنا باب ۱ آیه ۴۴

۴۴ و فیلیپس از بیت صیدا از شهر اندریاس و پطرس بود.

متی باب ۴ آیه ۱۸

۱۸ و چون عیسی به کناره دریای جلیل میخرامید، دو برادر یعنی شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا میاندازند، زیرا صیاد بودند

متی باب ۱۰ آیه ۲

۲ و نامهای دوازده رسول این است: اول شمعون معروف به پطرس و برادرش اندریاس؛ یعقوب بن زبدي و برادرش یوحنا؛

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانوی،

لوقا باب ۶ آیه ۱۴

۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما،

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱۵

۱۵ و بعد از غذا خوردن، عیسی به شمعون پطرس گفت: "ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیشتر از اینها محبت می‌نمایی؟" بدو گفت: "بلی خداوند، تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم." بدو گفت: "بره‌های مرا خوراک بده."

یوحنا باب ۱ آیه ۳۶ تا ۴۰

۳۶ ناگاه عیسی را دید که راه می‌رود؛ و گفت: "اینک بره خدا." ۳۷ و چون آن دو شاگرد کلام او را شنیدند، از پی عیسی روانه شدند. ۳۸ پس عیسی روی گردانیده، آن دو نفر را دید که از عقب می‌آیند. بدیشان گفت: ۳۹ "چه می‌خواهید؟" بدو گفتند: "ربی (یعنی ای معلم) در کجا منزل می‌نمایی؟" ۴۰ بدیشان گفت: "بیایید و ببینید." آنگاه آمده، دیدند که کجا منزل دارد، و آن روز را نزد او بماندند و قریب به ساعت دهم بود.

یوحنا باب ۱ آیه ۲۸

۲۸ و این در بیت‌عبره که آن طرف اردن است، در جایی که یحیی تعمید می‌داد واقع گشت.

یوحنا باب ۲ آیه ۲

۲ و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند.

یوحنا باب ۲ آیه ۱۲ تا ۱۳

۱۲ و بعد از آن او با مادر و برادران و شاگردان خود به کفرناحوم آمد و در آنجا ایامی کم ماندند. ۱۳ و چون عید فصح یهود نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت،

یوحنا باب ۳ آیه ۲۲

۲۲ و بعد از آن عیسی با شاگردان خود به زمین یهودیه آمد و با ایشان در آنجا به سر برده، تعمید می‌داد.

یوحنا باب ۴ آیه ۲ تا ۵

۲ با اینکه خود عیسی تعمید نمی‌داد بلکه شاگردانش، ۳ یهودیه را گذارده، باز به جانب جلیل رفت. ۴ و لازم بود که از سامره عبور کند ۵ پس به شهری از سامره که سوخار نام داشت، نزدیک به آن موضعی که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود رسید.

متی باب ۴ آیه ۱۸ تا ۱۹

۱۸ و چون عیسی به کناره دریای جلیل می‌گرامید، دو برادر یعنی شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا میاندازند، زیرا صیاد بودند ۱۹ بدیشان گفت: «از عقب من آیید تا شما را صیاد مردم گردانم.»

مرقس باب ۱ آیه ۱۶ تا ۱۸

۱۶ و چون به کناره دریای جلیل می‌گشت، شمعون و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می‌اندازند زیرا که صیاد بودند. ۱۷ عیسی ایشان را گفت: «از عقب من آیید که شما را صیاد مردم گردانم.» ۱۸ بی‌تأمل دامهای خود را گذارده، از پی او روانه شدند.

مرقس باب ۱ آیه ۲۱

۲۱ و چون وارد کفرناحوم شدند، بی‌تأمل در روز سبت به کنیسه درآمده، به تعلیم دادن شروع کرد،

مرقس باب ۱ آیه ۲۹

۲۹ و از کنیسه بیرون آمده، فوراً با یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و اندریاس درآمدند.

یوحنا باب ۶ آیه ۸

۸ یکی از شاگردانش که اندریاس برادر شمعون پطرس باشد، وی را گفت:

لوقا باب ۶ آیه ۱۳ تا ۱۴

۱۳ و چون روز شد، شاگردان خود را پیش طلبیده دوازده نفر از ایشان را انتخاب کرده، ایشان را نیز رسول خواند. ۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما،

مرقس باب ۱۳ آیه ۲ تا ۴

۲ عیسی در جواب وی گفت: «آیا این عمارت‌های عظیمه را می‌نگری؟ بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد، مگر آنکه به زیر افکنده شود!» ۳ و چون او بر کوه زیتون، مقابل هیکل نشسته بود، پطرس و یعقوب و یوحنا و اندریاس سرا از وی پرسیدند: ۴ «ما را خبر بده که این امور کی واقع می‌شود و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟»

یوحنا باب ۶ آیه ۸ تا ۹

۸ یکی از شاگردانش که اندریاس برادر شمعون پطرس باشد، وی را گفت: ۹ “در اینجا پسری است که پنج نان جو و دو ماهی دارد. و لیکن این از برای این گروه چه می‌شود؟”

یوحنا باب ۱۲ آیه ۲۰ تا ۲۲

۲۰ و از آن کسانی که در عید بجهت عبادت آمده بودند، بعضی یونانی بودند. ۲۱ ایشان نزد فیلیپس که از بیت صیدای جلیل بود آمدند و سوال کرده، گفتند: “ای آقا، می‌خواهیم عیسی را ببینیم.” ۲۲ فیلیپس آمد و به اندریاس گفت و اندریاس و فیلیپس به عیسی گفتند.

اعمال باب ۱ آیه ۱۲ تا ۱۴

۱۲ آنگاه به اورشلیم مراجعت کردند، از کوه مسمی به زیتون که نزدیک به اورشلیم به مسافت سفر یک روز سبت است. ۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند. ۱۴ و جمیع اینها با زنان و مریم مادر عیسی و برادران او به یکدل در عبادت و دعا مواظب می‌بودند.

یعقوب پسر زبدی James

لغت فوق به معنای **گیرنده پاشنه پا** می باشد .

نام یکی از دوازده رسولان است و معروف به یعقوب پسر زبدی بوده است .

ارتباط خانوادگی

نام پدر او زبدی و نام مادرش سالومه و برادر یوحنا رسول بوده است. نام وی معمولاً قبل از برادرش یوحنا آمده است و یوحنا معمولاً «برادر یعقوب» نامیده شده است که دلالت بر آن دارد که یعقوب برادر بزرگتر بوده است. نام مادر وی به احتمال زیاد سالومه، خواهر مریم، مادر عیسی می باشد، اما این مورد توسط بعضی ها با تردید نگاه کرده می شود. شغل وی ماهیگیری و همراه با پدر و برادرش به تجارت ماهی می پرداخته است. او در ماهیگیری با پطرس و اندریاس نیز شریک بوده است. تعداد قایقها و افرادی که برای آنها کار می کرده اند، نشان بر آن دارد که آنها دارای موسسه ماهیگیری شایان توجهی بوده اند .

خوانده شدن

اولین خوانده شدن یعقوب توسط عیسی، زمانی رخ داد که وی در کنار دریای جلیل قدم می زد. یعقوب با برادرش در قایق پدرشان مشغول تعمیر تور ماهیگیری بودند که عیسی از آنها خواست به دنبال او بروند و آنها قایق را فوراً ترک کرده و به دنبال عیسی رفتند. در انجیل لوقا و یوحنا این ماجرا با جزئیات بیشتری شرح داده شده است که شامل معجزه گرفتن ماهی به تعداد بسیار زیاد بر اساس گفته مسیح، که باعث وحشت آنان از جمله یعقوب و یوحنا می گردد. سپس نام وی را در لیست رسولان مسیح می بینیم .

رسالت

از این زمان به بعد، یعقوب جایگاه برجسته ای در بین رسولان پیدا کرد و همراه با پطرس و یوحنا، از همراهان ویژه عیسی گردید. . وی همراه با یوحنا و پطرس شاهد بر برخاستن دختر یایروس از مردگان توسط عیسی بود. یعقوب یکی از سه شاگردی بود که توسط عیسی به بالای تپه ای برده شد و او حضور الیاس و موسی را با مسیح و تغییر چهره عیسی را دید. یعقوب همراه با یوحنا و پطرس تنها کسانی بودند که عیسی با خود به باغ جتسیمانی برد ولی وی در آنجا همراه با دو شاگرد دیگر به جای دعا کردن، به خواب فرو رفت .

مدت کوتاهی پس از تغییر چهره عیسی بر بالای تپه، عیسی تصمیم گرفت که به اورشلیم برود و چند نفر را فرستاد تا در سامره برای ایشان محلی برای اقامت بگیرند، اما سامریها به دلیل دشمنی با یهودیان به آنان محلی برای اقامت ندادند. یعقوب و یوحنا پس از اطلاع از جریان، به عیسی گفتند: دعا کنیم تا از آسمان بر آنها آتش ببارد، اما عیسی آنان را ملامت کرد و به واسطه روحیه تندی که این دو برادر داشتند به آنان لقب بُؤائِرَجَس یعنی پسران رعد داد . یعقوب و یوحنا بواسطه تاثیری که تغییر چهره عیسی و سایر معجزات عیسی و آگاهی از آخرین سفر عیسی به اورشلیم و ایمان به سلطنت عیسی در ملکوت آسمان، از عیسی خواستند که در ملکوت او بر دست راست و چپ او قرار گیرند. هر چند که آنان پذیرفتند که از همان جامی که عیسی می نوشد، بنوشند، اما عیسی به آنان گفت که اختیار نشستن بر دست راست و چپ او، در اختیار وی نمی باشد. در انجیل متی درخواست از عیسی ، توسط مادر یعقوب و یوحنا ابراز می شود . پس از ورود به اورشلیم زمانی که عیسی در کوه زیتون، مقابل معبد خدا نشسته بود، یعقوب یکی از چهار شاگردی بود که همراه مسیح در کوه زیتون بود و وی یکی از کسانی بود که در مورد خراب شدن ساختمانهای عظیم و هیکل از عیسی سوال کرد .

یک روز پس از رستاقیز، عیسی باز در کناره دریای طبریه، برای سومین بار در بین شاگردان حضور پیدا کرد، یعقوب نیز در بین شاگردان حضور داشت و شاهد معجزه میبد صد و پنجاه و سه ماهی بود و در خوردن نان و ماهی با عیسی شرکت

داشت .

درگذشت

یعقوب اولین شهید در بین رسولان بود. ایمان و تعصب یعقوب به پیروی از مسیح، باعث نفرت و ترس یهودیانی که دشمن مسیحیان بودند، گردید. یعقوب در زمان پادشاهی هیرود اغریپاس اول و مدت کوتاهی قبل از مرگ او، در زمانی که او به آزار و شکنجه پیروان مسیح می پرداخت به دستور هیروود در سال ۴۴ پس از میلاد با شمشیر به شهادت رسید. و همانطور که مسیح گفته بود: « پیاله ای را که من می نوشم خواهید آشامید و تعمیدی را که من می پذیرم خواهید پذیرفت »، به انجام رسید. وی تنها رسولی است که شهادت وی در کتاب مقدس ذکر شده است . بنا بر روایات، یعقوب پس از کار در اورشلیم به اسپانیا رفته و در آنجا موعظه می کرده است. وی دارای جایگاه خاصی در تاریخ اسپانیا می باشد. وی به نام یعقوب کبیر نیز شناخته می شود.

نماد

نماد یعقوب یک شمشیر و یک صدف است. گاهی نیز تنها از تصویر سه صدف استفاده شده است، که معمولا روی تصویر یک سپر کشیده می شود . تصویر شمشیر نمادی است از شهادت وی، و تصویر صدف نمادی است از سفرهای بشارتی یعقوب که اغلب از طریق دریا به انجام می رسیده است . بیست و پنجم ماه جولای (July) هر سال، روز یادبود یعقوب کبیر می باشد.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۴، ۱۰، ۲۰، ۲۶ و ۲۷ - یوحنا باب ۱۹ و ۲۱ - مرقس باب ۱، ۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ - لوقا باب ۵، ۶، ۸ و ۹ - اعمال باب ۱ و ۱۲

لوقا باب ۵ آیه ۱۰

۱۰ و هم چنین نیز بر یعقوب و یوحنا پسران زبدی که شریک شمعون بودند. عیسی به شمعون گفت: «مترس. پس از این مردم را صید خواهی کرد .»

متی باب ۲۷ آیه ۵۶

۵۶ که از آن جمله، مریم مجدلیه بود و مریم مادر یعقوب و یوشا و مادر پسران زبدی .

مرقس باب ۱۵ آیه ۴۰

۴۰ و زنی چند از دور نظر می کردند که از آنجمله مریم مجدلیه بود و مریم مادر یعقوب کوچک و مادر یوشا و سالومه،

یوحنا باب ۱۹ آیه ۲۵

۲۵ و پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند .

متی باب ۴ آیه ۱۸ تا ۲۲

۱۸ و چون عیسی به کناره دریای جلیل میخرامید، دو برادر یعنی شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا میاندازند، زیرا صیاد بودند ۱۹ بدیشان گفت: «از عقب من آبیید تا شما را صیاد مردم گردانم.» ۲۰ در ساعت دامها را گذارده، از عقب اوروانه شدند. ۲۱ و چون از آنجا گذشت، دو برادر دیگر یعنی یعقوب، پسر زبدی و برادرش یوحنا را دید که در کشتی با پدر خویش زبدی، دامهای خود را اصلاح میکنند؛ ایشان را نیز دعوت نمود. ۲۲ در حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از عقب او روانه شدند .

مرقس باب ۱ آیه ۱۶ تا ۲۰

۱۶ و چون به کناره دریای جلیل می‌گشت، شمعون و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می‌اندازند زیرا که صیاد بودند. ۱۷ عیسی ایشان را گفت: "از عقب من آبیید که شما را صیاد مردم گردانم." ۱۸ بی‌تأمل دامهای خود را گذارده، از پی او روانه شدند. ۱۹ و از آنجا قدری پیشتر رفته، یعقوب بن زبدي و برادرش یوحنا را دید که در کشتی دامهای خود را اصلاح می‌کنند. ۲۰ در حال ایشان را دعوت نمود. پس پدر خود زبدي را با مزدوران در کشتی گذارده، از عقب وی روانه شدند .

لوقا باب ۵ آیه ۱ تا ۱۱

۱ و هنگامی که گروهی بر وی ازدحام می‌نمودند تا کلام خدا را بشنوند، او به کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود. ۲ و دو زورق را در کنار دریاچه ایستاده دید که صیادان از آنها بیرون آمده، دامهای خود را شست و شو می‌نمودند. ۳ پس به یکی از آن دو زورق که مال شمعون بود سوار شده، از او درخواست نمود که از خشکی اندکی دور ببرد. پس در زورق نشسته، مردم را تعلیم می‌داد. ۴ و چون از سخن گفتن فارغ شد، به شمعون گفت: "به میانه دریاچه بران و دامهای خود را برای شکار بیندازید." ۵ شمعون در جواب وی گفت: "ای استاد، تمام شب را رنج برده چیزی نگرفتیم، لیکن به حکم تو، دام را خواهیم انداخت." ۶ و چون چنین کردند، مقداری کثیر از ماهی صید کردند، چنانکه نزدیک بود دام ایشان گسسته شود. ۷ و به رفقای خود که در زورق دیگر بودند اشاره کردند که آمده ایشان را امداد کنند. پس آمده هر دو زورق را پر کردند بقسمی که نزدیک بود غرق شوند. ۸ شمعون پطرس چون این را بدید، بر پایهای عیسی افتاده، گفت: "ای خداوند از من دور شوزیرا مردی گناهکارم." ۹ چونکه به سبب صید ماهی که کرده بودند، دهشت بر او و همه رفقای وی مستولی شده بود. ۱۰ و هم چنین نیز بر یعقوب و یوحنا پسران زبدي که شریک شمعون بودند. عیسی به شمعون گفت: "مترس. پس از این مردم را صید خواهی کرد." ۱۱ پس چون زورقها را به کنار آوردند، همه را ترک کرده، از عقب او روانه شدند .

متی باب ۱۰ آیه ۲

۲ و نامهای دوازده رسول این است: اول شمعون معروف به پطرس و برادرش اندریاس؛ یعقوب بن زبدي و برادرش یوحنا؛

لوقا باب ۶ آیه ۱۴

۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما،

مرقس باب ۳ آیه ۱۷

۱۷ و یعقوب پسر زبدي و یوحنا برادر یعقوب؛ این هر دو را یُوآنرَجَس یعنی پسران رعد نام گذارد .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند .

مرقس باب ۵ آیه ۳۷

۳۷ و جز پطرس و یعقوب و یوحنا برادر یعقوب، هیچ کس را اجازت نداد که از عقب او بیایند .

لوقا باب ۸ آیه ۵۱

۵۱ و چون داخل خانه شد، جز پطرس و یوحنا و یعقوب و پدر و مادر دختر، هیچ کس را نگذاشت که به اندرون آید .

مرقس باب ۱۳ آیه ۱ تا ۴

۱ و چون او از هیكل بیرون می‌رفت، یکی از شاگردانش بدو گفت: "ای استاد ملاحظه فرما چه نوع سنگها و چه عمارت‌هاست!" ۲ عیسی در جواب وی گفت: "آیا این عمارت‌های عظیمه را می‌نگری؟ بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد، مگر آنکه به زیر افکنده شود!" ۳ و چون او بر کوه زیتون، مقابل هیكل نشسته بود، پطرس و یعقوب و

یوحنا و اندریاس سرا از وی پرسیدند: ۴ «ما را خبر بده که این امور کی واقع می‌شود و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟»

لوقا باب ۹ آیه ۲۸ تا ۳۱

۲۸ و از این کلام قریب به هشت روز گذشته بود که پطرس و یوحنا و یعقوب را برداشته، بر فراز کوهی برآمد تا دعا کند. ۲۹ و چون دعا می‌کرد، هیأت چهره او متبدل گشت و لباس او سفید و درخشان شد. ۳۰ که ناگاه دو مرد یعنی موسی و الیاس با وی ملاقات کردند. ۳۱ و به هیأت جلالی ظاهر شده، درباره رحلت او که می‌بایست به زودی در اورشلیم واقع شود، گفتگو می‌کردند.

متی باب ۲۶ آیه ۳۶ تا ۴۶

۳۶ آنگاه عیسی با ایشان به موضعی که مسمی به جتسیمانی بود رسیده، به شاگردان خود گفت: «در اینجا بنشینید تا من رفته، در آنجا دعا کنم.» ۳۷ و پطرس و دو پسر زبّدی را برداشته، بی‌نهایت غمگین و دردناک شد. ۳۸ پس بدیشان گفت: «نفس من از غایت الم مشرف به موت شده است. در اینجا مانده با من بیدار باشید.» ۳۹ پس قدری پیش رفته، به روی در افتاد و دعا کرده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.» ۴۰ و نزد شاگردان خود آمده، ایشان را در خواب یافت. و به پطرس گفت: «آیا همچنان نمی‌توانستید یک ساعت با من بیدار باشید؟ ۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید! روح راغب است، لیکن جسم ناتوان.» ۴۲ و بار دیگر رفته، باز دعا نموده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن از من بگذرد، آنچه اراده تو است بشود.» ۴۳ و آمده، باز ایشان را در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود. ۴۴ پس ایشان را ترک کرده، رفت و دفعه سوم به همان کلام دعا کرد. ۴۵ آنگاه نزد شاگردان آمده، بدیشان گفت: «مابقی را بخوابید و استراحت کنید. الحال ساعت رسیده است که پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم شود. ۴۶ برخیزید برویم. اینک تسلیم کننده من نزدیک است!»

مرقس باب ۱۴ آیه ۳۲ تا ۴۲

۳۲ و چون به موضعی که جتسیمانی نام داشت رسیدند، به شاگردان خود گفت: «در اینجا بنشینید تا دعا کنم.» ۳۳ و پطرس و یعقوب و یوحنا را همراه برداشته، مضطرب و دلتنگ گردید ۳۴ و بدیشان گفت: «نفس من از حزن، مشرف بر موت شد. اینجا بمانید و بیدار باشید.» ۳۵ و قدری پیشتر رفته، به روی بر زمین افتاد و دعا کرد تا اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد. ۳۶ پس گفت: «ای ابا پدر، همه چیز نزد تو ممکن است. این پیاله را از من بگذران، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو.» ۳۷ پس چون آمد، ایشان را در خواب دیده، پطرس را گفت: «ای شمعون، در خواب هستی؟ آیا نمی‌توانستی یک ساعت بیدار باشی؟ ۳۸ بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید. روح البته راغب است لیکن جسم ناتوان.» ۳۹ و باز رفته، به همان کلام دعا نمود. ۴۰ و نیز برگشته، ایشان را در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود و ندانستند او را چه جواب دهند. ۴۱ و مرتبه سوم آمده، بدیشان گفت: «مابقی را بخوابید و استراحت کنید. کافی است! ساعت رسیده است. اینک پسر انسان به دستهای گناهکاران تسلیم می‌شود. ۴۲ برخیزید برویم که اکنون تسلیم کننده من نزدیک شد.»

لوقا باب ۹ آیه ۵۱ تا ۵۵

۵۱ و چون روزهای صعود او نزدیک می‌شد، روی خود را به عزم ثابت به سوی اورشلیم نهاد. ۵۲ پس رسولان پیش از خود فرستاده، ایشان رفته به بلدی از بلاد سامریان وارد گشتند تا برای او تدارک بینند. ۵۳ اما او را جای ندادند از آن رو که عازم اورشلیم می‌بود. ۵۴ و چون شاگردان او، یعقوب و یوحنا این را دیدند گفتند: «ای خداوند آیا می‌خواهی بگوییم که آتش از آسمان باریده، اینها را فرو گیرد چنانکه الیاس نیز کرد؟» ۵۵ آنگاه روی گردانیده بدیشان گفت: «نمی‌دانید که شما از کدام نوع روح هستید.»

مرقس باب ۳ آیه ۱۷

۱۷ و یعقوب پسر زبّدی و یوحنا برادر یعقوب؛ این هر دو را بُؤانَرَجَس یعنی پسران رعد نام گذارد.

مرقس باب ۱۰ آیه ۳۲ تا ۳۷

۳۲ و چون در راه به سوی اورشلیم می‌رفتند و عیسی در جلو ایشان می‌خرامید، در حیرت افتادند و چون از عقب او می‌رفتند، ترس بر ایشان مستولی شد. آنگاه آن دوازده را باز به کنار کشیده، شروع کرد به اطلاع دادن به ایشان از آنچه بر وی وارد می‌شد، ۳۳ که «اینک به اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به دست روسای کهنه و کاتبان تسلیم شود و بر وی فتوای قتل دهند و او را به امتهای سپارند، ۳۴ و بر وی سخریه نموده، تازیانه‌اش زنند و آب دهان بر وی افکنده، او را خواهند کشت و روز سوم خواهد برخاست.» ۳۵ آنگاه یعقوب و یوحنا دو پسر زبیدی نزد وی آمده، گفتند: «ای استاد، می‌خواهیم آنچه از تو سوال کنیم برای ما بکنی.» ۳۶ ایشان را گفت: «چه می‌خواهید برای شما بکنم؟» ۳۷ گفتند: «به ما عطا فرما که یکی به طرف راست و دیگری بر چپ تو در جلال تو بنشینیم.»

متی باب ۲۰ آیه ۲۰ تا ۲۸

۲۰ آنگاه مادر دو پسر زبیدی با پسران خود نزد وی آمده و پرستش نموده، از او چیزی درخواست کرد. ۲۱ بدو گفت: «چه خواهش داری؟» گفت: «بفرما تا این دو پسر من در ملکوت تو، یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تو بنشینند.» ۲۲ عیسی در جواب گفت: «نمی‌دانید چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از آن کاسه‌ای که من می‌نوشم، بنوشید و تعمیدی را که من می‌یابم، بیابید؟» بدو گفتند: «می‌توانیم.» ۲۳ ایشان را گفت: «البته از کاسه من خواهید نوشید و تعمیدی را که من می‌یابم، خواهید یافت. لیکن نشستن به دست راست و چپ من، از آن من نیست که بدهم، مگر به کسانی که از جانب پدرم برای ایشان مهیا شده است.» ۲۴ اما چون آن ده شاگرد شنیدند، بر آن دو برادر به دل رنجیدند ۲۵ عیسی ایشان را پیش طلبیده، گفت: «آگاه هستید که حکام امتهای بر ایشان سروری می‌کنند و رؤسا بر ایشان مسلطند. ۲۶ لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که در میان شما می‌خواهد بزرگ گردد، خادم شما باشد. ۲۷ و هر که می‌خواهد در میان شما مقدم بود، غلام شما باشد. ۲۸ چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد.»

مرقس باب ۱۰ آیه ۴۰

۴۰ لیکن نشستن به دست راست و چپ من از آن من نیست که بدهم جز آنانی را که از بهر ایشان مهیا شده است.»

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱ تا ۱۴

۱ بعد از آن عیسی باز خود را در کنار دریای طبری، به شاگردان ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت: ۲ شمعون پطرس و تومای معروف به توأم و تتانیل که از قانای جلیل بود و دو پسر زبیدی و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند. ۳ شمعون پطرس به ایشان گفت: «می‌روم تا صید ماهی کنم.» به او گفتند: «مانیز با تو می‌آییم.» پس بیرون آمده، به کشتی سوار شدند و در آن شب چیزی نگرفتند. ۴ و چون صبح شد، عیسی بر ساحل ایستاده بود لیکن شاگردان ندانستند که عیسی است. ۵ عیسی بدیشان گفت: «ای بچه‌ها نزد شما خوراکی هست؟» به او جواب دادند که «نی.» ۶ بدیشان گفت: «دام را به طرف راست کشتی بیندازید که خواهید یافت.» پس انداختند و از کثرت ماهی نتوانستند آن را بکشند. ۷ پس آن شاگردی که عیسی او را محبت می‌نمود به پطرس گفت: «خداوند است.» چون شمعون پطرس شنید که خداوند است، جامه خود را به خویشتن پیچید چونکه برهنه بود و خود را در دریا انداخت. ۸ اما شاگردان دیگر در زورق آمدند زیرا از خشکی دور نبودند، مگر قریب به دوپست ذراع و دام ماهی را می‌کشیدند. ۹ پس چون به خشکی آمدند، آتشی افروخته و ماهی بر آن گذارده و نان دیدند. ۱۰ عیسی بدیشان گفت: «از ماهی‌ای که الان گرفته‌اید، بیاورید.» ۱۱ پس شمعون پطرس رفت و دام را بر زمین کشید، پر از صد و پنجاه و سه ماهی بزرگ و با وجودی که اینقدر بود، دام پاره نشد. ۱۲ عیسی بدیشان گفت: «بیاورید بخورید.» ولی احدی از شاگردان جرأت نکرد که از او بپرسد «تو کیستی؟» زیرا می‌دانستند که خداوند است. ۱۳ آنگاه عیسی آمد و نان را گرفته، بدیشان داد و همچنین ماهی را. ۱۴ و این مرتبه سوم بود که عیسی بعد از برخاستن از مردگان، خود را به شاگردان ظاهر کرد.

اعمال باب ۱۲ آیه ۱ تا ۲

۱ و در آن زمان هیرودییس پادشاه، دستتاول بر بعضی از کلیسا دراز کرد ۲ و یعقوب برادر یوحنا را به شمشیر کشت .

یوحنا John

لغت فوق به معنای **فیض خداوند** می باشد .

یوحنا نام یکی از دوازده رسولان است. وی نویسنده پنج کتاب از کتابهای عهد جدید (مکاشفه، رساله اول و دوم و سوم یوحنا) به انضمام انجیل یوحنا می باشد .

ارتباط خانوادگی

نام پدر او زید و نام مادرش سالومه و برادر یعقوب رسول بوده است. نام وی معمولاً بعد از برادرش یعقوب آمده است، که دلالت بر آن دارد که یوحنا برادر کوچکتر بوده است. نام مادر وی به احتمال زیاد سالومه، خواهر مریم، مادر عیسی می باشد، اما این مورد توسط بعضی ها با تردید نگاه کرده می شود. سالومه یکی از زنانی بود که عیسی مسیح و شاگردانش را خدمت می کرد. شغل وی ماهیگیری و همراه با پدر و برادرش به تجارت ماهی می پرداخته است. او در ماهیگیری با پطرس و اندریاس نیز شریک بوده است. تعداد قایقها و افرادی که برای آنها کار می کرده اند، نشان بر آن دارد که آنها دارای موسسه ماهیگیری شبان توجهی بوده اند .

خوانده شدن

اولین خوانده شدن یوحنا توسط عیسی، زمانی رخ داد که عیسی در کنار دریای جلیل قدم می زد. یوحنا با برادرش در قایق پدرشان مشغول تعمیر تور ماهیگیری بودند که عیسی از آنها خواست به دنبال او بروند و آنها قایق را فوراً ترک کرده و به دنبال عیسی رفتند. در انجیل لوقا و یوحنا این ماجرا با جزئیات بیشتری شرح داده شده است که شامل معجزه گرفتن ماهی به تعداد بسیار زیاد بر اساس گفته مسیح، که باعث وحشت آنان از جمله یعقوب و یوحنا می گردد. نام وی در تمامی لیست رسولان مسیح در کتاب انجیل دیده می شود .

رسالت

از این زمان به بعد، یوحنا جایگاه برجسته ای در بین رسولان پیدا کرد و همراه با پطرس و یوحنا، از همراهان ویژه عیسی گردید. وی همراه با یعقوب و پطرس شاهد بر برخاستن دختر یایروس از مردگان توسط عیسی بود. یوحنا یکی از سه شاگردی بود که توسط عیسی به بالای تپه ای برده شد و او حضور الیاس و موسی را با مسیح و تغییر چهره عیسی را دید. یوحنا همراه با یعقوب و پطرس تنها کسانی بودند که عیسی با خود به باغ جتسیمانی برد ولی وی در آنجا همراه با دو شاگرد دیگر به جای دعا کردن، به خواب فرو رفت .

تا این زمان هیچ نموداری از شخصیت یوحنا در کتاب مقدس دیده نمی شود، تا اینکه مدت کوتاهی پس از تغییر چهره عیسی بر بالای تپه، عیسی تصمیم گرفت که به اورشلیم برود و چند نفر را فرستاد تا در سامره برای ایشان محلی برای اقامت بگیرند، اما سامریها به دلیل دشمنی با یهودیان به آنان محلی برای اقامت ندادند. یعقوب و یوحنا پس از اطلاع از جریان، به عیسی گفتند: دعا کنیم تا از آسمان بر آنها آتش ببارد، که نشان از علاقه و غیرت این دو برادر به عیسی بود، اما عیسی آنان را ملامت کرد و به واسطه روحیه تندى که این دو برادر داشتند به آنان لقب بُؤَانَرَجَسْ یعنی پسران رعد داد .

یوحنا و یعقوب بواسطه تاثیری که تغییر چهره عیسی و سایر معجزات عیسی و آگاهی از آخرین سفر عیسی به اورشلیم و ایمان به سلطنت عیسی در ملکوت آسمان، از عیسی خواستند که در ملکوت او بر دست راست و چپ او قرار گیرند. هر چند که آنان پذیرفتند که از همان جامی که عیسی می نوشد، بنوشند، اما عیسی به آنان گفت که اختیار نشستن بر دست راست و چپ او، در اختیار وی نمی باشد. در انجیل متی درخواست از عیسی، توسط مادر یعقوب و یوحنا ابراز می شود . پس از ورود به اورشلیم زمانی که عیسی در کوه زیتون، مقابل معبد خدا نشسته بود، یوحنا یکی از چهار شاگردی بود که همراه مسیح در کوه زیتون بود و وی یکی از کسانی بود که در مورد خراب شدن ساختمانهای عظیم و هیکل از عیسی

سوال کرد. یوحنا به همراه پطرس مامور تدارک شام فصیح (شام آخر) گردیند .
 یکبار یوحنا به تنهایی در مقابل عیسی ایستاد و گفت: “استاد، مردی را دیدیم که به نام شما ارواح ناپاک را از مردم بیرون می کرد؛ ولی ما به او گفتیم که این کار را نکن چون او جزو دسته ما نبود.” با این گفتار یوحنا ما می توانیم کمی به شخصیت وی پی ببریم. وی مرد جوانی بود که در ردیف جلوی شاگردان قرار داشت و بسیار از شخصیت و موقعیتی که بعدها پیدا می کند فاصله داشته است .
 یوحنا و پطرس اولین کسانی بودند که مریم مجدلیه پس از آنکه سنگ قبر را در جایش ندید، به آنان اطلاع داد .
 یک روز پس از رستاخیز، عیسی باز در کناره دریای طبریّه، برای سومین بار در بین شاگردان حضور پیدا کرد، یوحنا نیز در بین شاگردان حضور داشت و شاهد معجزه صید صد و پنجاه و سه ماهی بود و در خوردن نان و ماهی با عیسی شرکت داشت .
 پس از عروج مسیح، یوحنا به همراه پطرس به خانه خدا در اورشلیم رفت و بر دروازه معبد لنگ مادرزادی بود که توسط پطرس شفا می یابد، پس از معجزه شفای شخص لنگ در دروازه معبد، پطرس و یوحنا توسط روسای یهود دستگیر و به زندان افتادند. پس از دستگیری و حضور در شورای یهودیان، به سبب ترویج حقانیت مسیح، اعضای شورا، آنان را اشخاصی بی سواد و معمولی اما پر جرات دیدند، و دانستند که همراهی با عیسی چنین تغییر شگرفی در آنان به وجود آورده و آنان را رها کردند .
 زمانی که رسولان فهمیدند که اهالی سامره ایمان آورده اند، یوحنا و پطرس را به سامره فرستادند و در آنجا یوحنا و پطرس برای آنان دعا کردند تا روح القدس بر آنان قرار گیرد .
 پولس، یوحنا و پطرس و یعقوب را ستونهای کلیسا خواند و یوحنا یک از کسانی بود که پولس را تشویق به خدمت در میان غیر یهودیان کرد .

درگذشت

برای مدت حدود هفتاد سال، یوحنا شاهی استوار و دلیر برای عیسی مسیح و جلال وی بوده است. وی تنها رسولی است که گفته می شود به مرگ طبیعی و در سنین بالا درگذشته است. یوحنا پس از بازگشت از جزیره پتموس که در آنجا بصورت تبعید بسر می برد و در حدود سال ۹۸ بعد از میلاد در شهر افسس درگذشت .

نماد

نماد یوحنا رسول یک جام و یک مار که در حال خارج شدن از جام است، می باشد و معمولاً روی تصویر یک سپر کشیده می شود .
 بنا بر روایات، مبنای این نماد بر پایه داستانی استوار است که گفته می شود، یک جام شراب آلوده به سم، توسط اریستودموس که کاهن معبد بت دیانا بوده است، به یوحنا داده شد و یوحنا بر بالای این جام با دست یک صلیب کشیده است و سم به صورت یک مار که نمادی از شیطان بوده، از جام خارج می شود و یوحنا سپس جام را می نوشد. این افسانه حقیقت نمی باشد، اما به یاد ما می آورد که یوحنا بصورت معجزه از مرگ نجات می یابد .
 بیست و هفتم ماه دسامبر (December) هر سال، روز یادبود یوحنا می باشد .

منابع کتاب مقدس : متی باب ۴، ۱۰، ۲۰، ۲۶ و ۲۷ - یوحنا باب ۱۹ و ۲۱ - مرقس باب ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ - لوقا باب ۵، ۶، ۸، ۹ و ۲۲ - اعمال باب ۱، ۳، ۴ و ۸ - مکاشفه باب ۱ - غلاطیان باب ۲

لوقا باب ۵ آیه ۱۰

۱۰ و هم چنین نیز بر یعقوب و یوحنا پسران زبدي که شريك شمعون بودند. عیسی به شمعون گفت: «مترس. پس از این مردم را صید خواهی کرد.»

متی باب ۲۷ آیه ۵۵ تا ۵۶

۵۵ و در آنجا زنان بسیاری که از جلیل در عقب عیسی آمده بودند تا او را خدمت کنند، از دور نظاره می‌کردند، ۵۶ که از آن جمله، مریم مجدلیه بود و مریم مادر یعقوب و یوشاء و مادر پسران زبدي .

مرقس باب ۱۵ آیه ۴۰

۴۰ و زنی چند از دور نظر می‌کردند که از آنجمله مریم مجدلیه بود و مریم مادر یعقوب کوچک و مادر یوشا و سالومه،

یوحنا باب ۱۹ آیه ۲۵

۲۵ و پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند .

متی باب ۴ آیه ۱۸ تا ۲۲

۱۸ و چون عیسی به کناره دریای جلیل می‌خرامید، دو برادر یعنی شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می‌اندازند، زیرا صیاد بودند ۱۹ بدیشان گفت: «از عقب من آیید تا شما را صیاد مردم گردانم.» ۲۰ در ساعت دامها را گذارده، از عقب اوروانه شدند. ۲۱ و چون از آنجا گذشت، دو برادر دیگر یعنی یعقوب، پسر زبدي و برادرش یوحنا را دید که در کشتی با پدر خویش زبدي، دامهای خود را اصلاح می‌کنند؛ ایشان را نیز دعوت نمود. ۲۲ در حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از عقب او روانه شدند .

مرقس باب ۱ آیه ۱۶ تا ۲۰

۱۶ و چون به کناره دریای جلیل می‌گشت، شمعون و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می‌اندازند زیرا که صیاد بودند. ۱۷ عیسی ایشان را گفت: «از عقب من آیید که شما را صیاد مردم گردانم.» ۱۸ بی‌تأمل دامهای خود را گذارده، از پی او روانه شدند. ۱۹ و از آنجا قدری پیشتر رفته، یعقوب بن زبدي و برادرش یوحنا را دید که در کشتی دامهای خود را اصلاح می‌کنند. ۲۰ در حال ایشان را دعوت نمود. پس پدر خود زبدي را با مزدوران در کشتی گذارده، از عقب وی روانه شدند .

لوقا باب ۵ آیه ۱ تا ۱۱

۱ و هنگامی که گروهی بر وی ازدحام می‌نمودند تا کلام خدا را بشنوند، او به کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود. ۲ و دو زورق را در کنار دریاچه ایستاده دید که میادان از آنها بیرون آمده، دامهای خود را شست و شو می‌نمودند. ۳ پس به یکی از آن دو زورق که مال شمعون بود سوار شده، از او درخواست نمود که از خشکی اندکی دور ببرد. پس در زورق نشسته، مردم را تعلیم می‌داد. ۴ و چون از سخن گفتن فارغ شد، به شمعون گفت: «به میانه دریاچه بران و دامهای خود را برای شکار ببندازید.» ۵ شمعون در جواب وی گفت: «ای استاد، تمام شب را رنج برده چیزی نگر فتم، لیکن به حکم تو، دام را خواهیم انداخت.» ۶ و چون چنین کردند، مقداری کثیر از ماهی صید کردند، چنانکه نزدیک بود دام ایشان گسسته شود. ۷ و به رفقای خود که در زورق دیگر بودند اشاره کردند که آمده ایشان را امداد کنند. پس آمده هر دو زورق را پر کردند بقسمی که نزدیک بود غرق شوند. ۸ شمعون پطرس چون این را بدید، بر پایهای عیسی افتاده، گفت: «ای خداوند از من دور شو زیرا مردی گناهکارم.» ۹ چونکه به سبب صید ماهی که کرده بودند، دهشت بر او و همه رفقای وی مستولی شده بود. ۱۰ و هم چنین نیز بر یعقوب و یوحنا پسران زبدي که شريك شمعون بودند. عیسی به شمعون گفت: «مترس. پس از این مردم را صید خواهی کرد.» ۱۱ پس چون زورقها را به کنار آوردند، همه را ترک کرده، از عقب او روانه شدند .

متی باب ۱۰ آیه ۲

۲ و نامهای دوازده رسول این است: اول شمعون معروف به پطرس و برادرش اندریاس؛ یعقوب بن زبدي و برادرش یوحنا؛

لوقا باب ۶ آیه ۱۴

۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما،

مرقس باب ۳ آیه ۱۷

۱۷ و یعقوب پسر زبیدی و یوحنا برادر یعقوب؛ این هر دو را بُؤانَرَجَس یعنی پسران رعد نام گذارد .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند .

مرقس باب ۵ آیه ۳۷

۳۷ و جز پطرس و یعقوب و یوحنا برادر یعقوب، هیچ کس را اجازت نداد که از عقب او بیایند .

لوقا باب ۸ آیه ۵۱

۵۱ و چون داخل خانه شد، جز پطرس و یوحنا و یعقوب و پدر و مادر دختر، هیچ کس را نگذاشت که به اندرون آید .

مرقس باب ۱۳ آیه ۱ تا ۴

۱ و چون او از هیکل بیرون می‌رفت، یکی از شاگردانش بدو گفت: «ای استاد ملاحظه فرما چه نوع سنگها و چه عمارت‌هاست!» ۲ عیسی در جواب وی گفت: «آیا این عمارت‌های عظیمه را می‌نگری؟ بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد، مگر آنکه به زیر افکنده شود!» ۳ و چون او بر کوه زیتون، مقابل هیکل نشسته بود، پطرس و یعقوب و یوحنا و اندریاس سرا از وی پرسیدند: ۴ «ما را خبر بده که این امور کی واقع می‌شود و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟»

لوقا باب ۹ آیه ۲۸ تا ۳۱

۲۸ و از این کلام قریب به هشت روز گذشته بود که پطرس و یوحنا و یعقوب را برداشته، بر فراز کوهی برآمد تا دعا کند. ۲۹ و چون دعا می‌کرد، هیأت چهره او متبدل گشت و لباس او سفید و درخشان شد. ۳۰ که ناگاه دو مرد یعنی موسی و الیاس با وی ملاقات کردند. ۳۱ و به هیأت جلالی ظاهر شده، درباره رحلت او که می‌بایست به زودی در اورشلیم واقع شود، گفتگو می‌کردند .

لوقا باب ۲۲ آیه ۸

۸ پطرس و یوحنا را فرستاده، گفت: «بروید و فصح را بجهت ما آماده کنید تا بخوریم.»

لوقا باب ۹ آیه ۴۹

۴۹ یوحنا جواب داده گفت: «ای استاد شخصی را دیدیم که به نام تو دیوها را اخراج می‌کند و او را منع نمودیم، از آن رو که پیروی ما نمی‌کند.»

مرقس باب ۹ آیه ۳۸

۳۸ آنگاه یوحنا ملتفت شده، بدو گفت: «ای استاد، شخصی را دیدیم که به نام تو دیوها بیرون می‌کرد و متابعت ما نمی‌نمود؛ و چون متابعت ما نمی‌کرد، او را ممانعت نمودیم.»

متی باب ۲۶ آیه ۳۶ تا ۴۶

۳۶ آنگاه عیسی با ایشان به موضعی که مسمی به جتسیمانی بود رسیده، به شاگردان خود گفت: «در اینجا بنشینید تا من رفته، در آنجا دعا کنم.» ۳۷ و پطرس و دو پسر زبیدی را برداشته، بی‌نهایت غمگین و دردناک شد. ۳۸ پس بدیشان گفت: «نفس من از غایت الم مشرف به موت شده است. در اینجا مانده با من بیدار باشید.» ۳۹ پس قدری پیش رفته، به روی در افتاد و دعا کرده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.» ۴۰ و نزد شاگردان خود آمده، ایشان را در خواب یافت. و به پطرس گفت: «آیا همچنین نمی‌توانستید یک ساعت با من بیدار باشید؟ ۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید! روح راغب است، لیکن جسم ناتوان.» ۴۲ و بار دیگر رفته، باز دعا نموده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن از من

بگذرد، آنچه اراده تو است بشود.» ۴۳ و آمده، باز ایشان را در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود. ۴۴ پس ایشان را ترک کرده، رفت و دفعه سوم به همان کلام دعا کرد. ۴۵ آنگاه نزد شاگردان آمده، بدیشان گفت: «ماقی را بخوایید و استراحت کنید. الحال ساعت رسیده است که پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم شود. ۴۶ برخیزید برویم. اینک تسلیم کننده من نزدیک است!»

مرقس باب ۱۴ آیه ۳۲ تا ۴۲

۳۲ و چون به موضعی که جتسیمانی نام داشت رسیدند، به شاگردان خود گفت: «در اینجا بنشینید تا دعا کنم.» ۳۳ و پطرس و یعقوب و یوحنا را همراه برداشته، مضطرب و دل‌تنگ گردید ۳۴ و بدیشان گفت: «نفس من از حزن، مشرف بر موت شد. اینجا بمانید و بیدار باشید.» ۳۵ و قدری پیشتر رفته، به روی بر زمین افتاد و دعا کرد تا اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد. ۳۶ پس گفت: «یا ابا پدر، همه چیز نزد تو ممکن است. این پیاله را از من بگذران، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو.» ۳۷ پس چون آمد، ایشان را در خواب دیده، پطرس را گفت: «ای شمعون، در خواب هستی؟ آیا نمی‌توانستی یک ساعت بیدار باشی؟» ۳۸ بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید. روح البته راغب است لیکن جسم ناتوان.» ۳۹ و باز رفته، به همان کلام دعا نمود. ۴۰ و نیز برگشته، ایشان را در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود و ندانستند او را چه جواب دهند. ۴۱ و مرتبه سوم آمده، بدیشان گفت: «ماقی را بخوایید و استراحت کنید. کافی است! ساعت رسیده است. اینک پسر انسان به دستهای گناهکاران تسلیم می‌شود. ۴۲ برخیزید برویم که اکنون تسلیم کننده من نزدیک شد.»

لوقا باب ۹ آیه ۵۱ تا ۵۵

۵۱ و چون روزهای صعود او نزدیک می‌شد، روی خود را به عزم ثابت به سوی اورشلیم نهاد. ۵۲ پس رسولان پیش از خود فرستاده، ایشان رفته به بلدی از بلاد سامریان وارد گشتند تا برای او تدارک بینند. ۵۳ اما او را جای ندادند از آن رو که عازم اورشلیم می‌بود. ۵۴ و چون شاگردان او، یعقوب و یوحنا این را دیدند گفتند: «ای خداوند آیا می‌خواهی بگوییم که آتش از آسمان باریده، اینها را فرو گیرد چنانکه الیاس نیز کرد؟» ۵۵ آنگاه روی گردانیده بدیشان گفت: «نمی‌دانید که شما از کدام نوع روح هستید.»

مرقس باب ۳ آیه ۱۷

۱۷ و یعقوب پسر زبدي و یوحنا برادر یعقوب؛ این هر دو را بؤانَرَجَس یعنی پسران رعد نام گذارد.

مرقس باب ۱۰ آیه ۳۲ تا ۳۷

۳۲ و چون در راه به سوی اورشلیم می‌رفتند و عیسی در جلو ایشان می‌خرامید، در حیرت افتادند و چون از عقب او می‌رفتند، ترس بر ایشان مستولی شد. آنگاه آن دوازده را باز به کنار کشیده، شروع کرد به اطلاع دادن به ایشان از آنچه بر وی وارد می‌شد، ۳۳ که «اینک به اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به دست روسای کهنه و کاتبان تسلیم شود و بر وی فتوای قتل دهند و او را به امته‌ها سپارند، ۳۴ و بر وی سخریه نموده، تازیانه‌اش زنند و آب دهان بر وی افکنده، او را خواهند کشت و روز سوم خواهد برخاست.» ۳۵ آنگاه یعقوب و یوحنا دو پسر زبدي نزد وی آمده، گفتند: «ای استاد، می‌خواهیم آنچه از تو سوال کنیم برای ما بکنی.» ۳۶ ایشان را گفت: «چه می‌خواهید برای شما بکنم؟» ۳۷ گفتند: «به ما عطا فرما که یکی به طرف راست و دیگری بر چپ تو در جلال تو بنشینیم.»

متی باب ۲۰ آیه ۲۰ تا ۲۸

۲۰ آنگاه مادر دو پسر زبدي با پسران خود نزد وی آمده و پرستش نموده، از او چیزی درخواست کرد. ۲۱ بدو گفت: «چه خواهش داری؟» گفت: «بفرما تا این دو پسر من در ملکوت تو، یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تو بنشینند.» ۲۲ عیسی در جواب گفت: «نمی‌دانید چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از آن کاسه‌ای که من می‌نوشم، بنوشید و تعمیدی را که من می‌یابم، بیابید؟» بدو گفتند: «می‌توانیم.» ۲۳ ایشان را گفت: «البته از کاسه من خواهید نوشید و تعمیدی را که من می‌یابم، خواهید یافت. لیکن نشستن به دست راست و چپ من، از آن من نیست که بدهم، مگر به کسانی که از جانب پدرم برای ایشان مهیا شده است.» ۲۴ اما چون آن ده شاگرد شنیدند، بر آن دو برادر به دل

رنجیدند ۲۵ عیسی ایشان را پیش طلبیده، گفت: «آگاه هستید که حکام امت‌ها بر ایشان سروری می‌کنند و رؤسا بر ایشان مسلطند. ۲۶ لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که در میان شما می‌خواهد بزرگ گردد، خادم شما باشد. ۲۷ و هر که می‌خواهد در میان شما مقدم بود، غلام شما باشد. ۲۸ چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد.»

مرقس باب ۱۰ آیه ۴۰

۴۰ لیکن نشستن به دست راست و چپ من از آن من نیست که بدهم جز آنانی را که از بهر ایشان مهیا شده است.

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱ تا ۱۴

۱ بعد از آن عیسی باز خود را در کناره دریای طبریه، به شاگردان ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت: ۲ شمعون پطرس و توما معروف به توأم و تتائیل که از قانای جلیل بود و دو پسر زبدي و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند. ۳ شمعون پطرس به ایشان گفت: «می‌روم تا صید ماهی کنم.» به او گفتند: «مانیز با تو می‌آییم.» پس بیرون آمده، به کشتی سوار شدند و در آن شب چیزی نگرفتند. ۴ و چون صبح شد، عیسی بر ساحل ایستاده بود لیکن شاگردان ندانستند که عیسی است. ۵ عیسی بدیشان گفت: «ای بچه‌ها نزد شما خوراکی هست؟» به او جواب دادند که «نی». ۶ بدیشان گفت: «دام را به طرف راست کشتی بیندازید که خواهید یافت.» پس انداختند و از کثرت ماهی توانستند آن را بکشند. ۷ پس آن شاگردی که عیسی او را محبت می‌نمود به پطرس گفت: «خداوند است.» چون شمعون پطرس شنید که خداوند است، جامه خود را به خویشتن پیچید چونکه برهنه بود و خود را در دریا انداخت. ۸ اما شاگردان دیگر در زورق آمدند زیرا از خشکی دور نبودند، مگر قریب به دو بیست ذراع و دام ماهی را می‌کشیدند. ۹ پس چون به خشکی آمدند، آتشی افروخته و ماهی بر آن گذارده و نان دیدند. ۱۰ عیسی بدیشان گفت: «از ماهی‌ای که الان گرفته‌اید، بیاورید.» ۱۱ پس شمعون پطرس رفت و دام را بر زمین کشید، پر از صد و پنجاه و سه ماهی بزرگ و با وجودی که اینقدر بود، دام پاره نشد. ۱۲ عیسی بدیشان گفت: «بیا بید بخورید.» ولی احدی از شاگردان جرأت نکرد که از او بپرسد «تو کیستی؟» زیرا می‌دانستند که خداوند است. ۱۳ آنگاه عیسی آمد و نان را گرفته، بدیشان داد و همچنین ماهی را. ۱۴ و این مرتبه سوم بود که عیسی بعد از برخاستن از مردگان، خود را به شاگردان ظاهر کرد.

اعمال باب ۳ آیه ۱ تا ۱۰

۱ و در ساعت نهم، وقت نماز، پطرس و یوحنا با هم به هیکل می‌رفتند. ۲ ناگاه مردی را که لنگ مادرزاد بود می‌بردند که او را هر روزه بر آن در هیکل که جمیل نام دارد می‌گذاشتند تا از روندگان به هیکل صدقه بخواهد. ۳ آن شخص چون پطرس و یوحنا را دید که می‌خواهند به هیکل داخل شوند، صدقه خواست. ۴ اما پطرس با یوحنا بر وی نیک نگریسته، گفت: «به ما بنگر.» ۵ پس بر ایشان نظر افکنده، منتظر بود که از ایشان چیزی بگیرد. ۶ آنگاه پطرس گفت: «مرا طلا و نقره نیست، اما آنچه دارم به تو می‌دهم. به نام عیسی مسیح ناصری برخیز و بخرام!» ۷ و دست راستش را گرفته، او را برخیزانید که در ساعت پایها و ساقهای او قوت گرفت ۸ و برجسته، بایستاد و خرامید و با ایشان خرامان و جست و خیزکنان و خدا را حمدگویان داخل هیکل شد. ۹ و جمیع قوم او را خرامان و خدا را تسبیح‌خوانان دیدند. ۱۰ و چون او را شناختند که همان است که به در جمیل هیکل بجهت صدقه می‌نشست، به سبب این امر که بر او واقع شد، متعجب و متحیر گردیدند.

اعمال باب ۴ آیه ۱ تا ۷

۱ و چون ایشان با قوم سخن می‌گفتند، کهنه و سردار سپاه هیکل و صدوقیان بر سر ایشان تاختند، ۲ چونکه مضطرب بودند از اینکه ایشان قوم را تعلیم می‌دادند و در عیسی به قیامت از مردگان اعلام می‌نمودند. ۳ پس دست بر ایشان انداخته، تا فردا محبوس نمودند زیرا که آن، وقت عصر بود. ۴ اما بسیاری از آنانی که کلام را شنیدند ایمان آوردند و عدد ایشان قریب به پنج هزار رسید. ۵ بامدادان روسا و مشایخ و کاتبان ایشان در اورشلیم فراهم آمدند، ۶ با حای رئیس کهنه و قیافا و یوحنا و اسکندر و همه کسانی که از قبیله رئیس کهنه بودند. ۷ و ایشان را در میان بداشتند و از ایشان پرسیدند که «شما به کدام قوت و به چه نام این کار را کرده‌اید؟»

اعمال باب ۴ آیه ۱۸ تا ۲۱

۱۸ پس ایشان را خواسته، قدغن کردند که هرگز نام عیسی را بر زبان نیاورند و تعلیم ندهند. ۱۹ اما پطرس و یوحنا در جواب ایشان گفتند: "اگر نزد خدا صواب است که اطاعت شما را بر اطاعت خدا ترجیح دهیم، حکم کنید. ۲۰ زیرا که ما را امکان آن نیست که آنچه دیده و شنیده‌ایم، نگوییم." ۲۱ و چون ایشان را زیاد تهدید نموده بودند، آزاد ساختند چونکه راهی نیافتند که ایشان را معذب سازند به سبب قوم زیرا همه به واسطه آن ماجرا خدا را تمجید می‌نمودند،

اعمال باب ۸ آیه ۱۴ تا ۱۵

۱۴ اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند. ۱۵ و ایشان آمده، بجهت ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند،

غلاطیان باب ۲ آیه ۷ تا ۸

۷ بلکه به خلاف آن، چون دیدند که بشارت نامختونان به من سپرده شد، چنانکه بشارت مختونان به پطرس ۸ زیرا او که برای رسالت مختونان در پطرس عمل کرد، در من هم برای امت‌ها عمل کرد .

مکاشفه باب ۱ آیه ۹

۹ من یوحنا که برادر شما و شریک در مصیبت و ملکوت و مبر در عیسی مسیح هستم، بجهت کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیره‌ای مسمی به پطرس شدم .

فیلیپس Philip

لغت فوق به معنای دوستدار اسپان می باشد .

فیلیپس نام یکی از دوازده شاگردان عیسی مسیح و ششمین شاگرد بوده است. وی از اهالی بیت صیدا در شمال دریای جلیل بود که اندریاس و پطرس نیز از اهالی همان محل بودند. احتمالاً فیلیپس پس از شنیدن آوازه شهرت یحیی تعمید دهنده به بیت عبره (بیت عنیا) که در آنطرف رود اردن قرار داشت رفته و در بین شاگردان یحیی تعمید دهنده بوده است. عیسی مسیح نیز آنجا حضور داشت و در هنگامی که به سوی جلیل می رفت، فیلیپس را دید و به او گفت به دنبال من بیا. فیلیپس آنرا پذیرفته و وجود مسیح را نیز به دوست خود برتولما اطلاع داد، که او نیز به شاگردان مسیح پیوست. در انجیل همسو نام فلیپس همراه با برتولما شاگرد دیگر عیسی مسیح برده شده است . هنگامیکه عیسی بر بالای تپه ای رفت و حدود پنج هزار نفر برای شنیدن سخنان وی می آمدند. عیسی از فیلیپس پرسید: چقدر نان برای این جمعیت کافی است و فیلیپس جواب داد: دویست دینار نان هم برای این جمعیت کافی نیست .

عده ای از یونانیان یهودی که برای انجام مراسم عید پسخبه اورشلیم آمده بودند، نزد فیلیپس رفته و تقاضای ملاقات با مسیح را کردند. فیلیپس به همراه اندریاس یکی دیگر از شاگردان مسیح، در خواست یونانیان برای ملاقات با مسیح را به وی اطلاع دادند. فیلیپس نیز مانند اندریاس نامی است یونانی، و نشان دهنده ارتباط فیلیپس با یونانیها بوده و به احتمال زیاد زبان یونانی را بخوبی می دانسته که یونانیها در اولین مرحله به نزد او رفتند . زمانی که عیسی پس از شام آخر با شاگردان گفتگو می کرد، فیلیپس از وی خواست که پدر را به آنها نشان دهد و عیسی به فیلیپس گفت: هر که مرا دیده، پدر را دیده است . پس از عروج عیسی به آسمان، فیلیپس یکی از اشخاصی بود که در بالاخانه ای جهت دعا و نیایش با سایر شاگردان جمع می شد.

درگذشت

او دارای جایگاه برجسته ای در میان شاگردان بوده است. در کتاب مقدس اطلاعاتی در ارتباط با اواخر زندگی فیلیپس دیده نمی شود. بنا بر روایات، فیلیپس پس از آنکه به شهر هیراپولیس رفت، مردم آنجا را در حال پرستش یک مار بزرگ دید و شروع به موعظه و آگاه کردن ایشان به اعمالشان نمود. آنها نیز قوزک پاهای او را سوراخ کرده و گردن او را محکم با طناب به یک ستون، بصورت وارونه بسته و او را سنگسار کردند تا به شهادت رسید. زمانی که فیلیپس در حال مرگ بود، تقاضا کرد که او را در کاغذ پاپیروس ببیچند، زیرا حتی بدن مرده خود را لایق آن نمی دانست که همانند عیسی در کفن پیچیده شود. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است .

نماد

نماد فیلیپس دو لقمه نان و یک صلیب بزرگ بیزانسی می باشد، که معمولاً روی تصویر یک سپر کشیده می شود . تصویر دو لقمه نان، نشان از حضور وی در زمانیکه مسیح پنج هزار نفر را غذا می داد، می باشد و صلیب بزرگ در ارتباط با سخن عیسی می باشد که هر کس می خواهد مرا متابعت کند، خود را انکار کرده و صلیب خود را برداشته به دنبال من بیاید، و فلیپس اولین شاگردی بود که عیسی به او گفت: به دنبال من بیا . یکم ماه می (May) هر سال، روز یادبود فیلیپس می باشد.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۱۰ - مرقس باب ۳ - لوقا باب ۶ - اعمال باب ۱ - یوحنا باب ۱، ۶، ۱۲، ۱۴

یوحنا باب ۱ آیه ۴۳ تا ۴۵

۴۳ بامدادان چون عیسی خواست به سوی جلیل روانه شود، فیلیپس را یافته، بدو گفت: "از عقب من بیا." ۴۴ و فیلیپس از بیت صیدا از شهر اندریاس و پطرس بود. ۴۵ فیلیپس تتنائیل را یافته، بدو گفت: "آن کسی را که موسی در تورات و انبیا مذکور داشته‌اند، یافته‌ایم که عیسی پسر یوسف ناصری است."

یوحنا باب ۱۲ آیه ۲۰ تا ۲۲

۲۰ و از آن کسانی که در عید بجهت عبادت آمده بودند، بعضی یونانی بودند. ۲۱ ایشان نزد فیلیپس که از بیت صیدای جلیل بود آمدند و سوال کرده، گفتند: "ای آقا، می‌خواهیم عیسی را ببینیم." ۲۲ فیلیپس آمد و به اندریاس گفت و اندریاس و فیلیپس به عیسی گفتند.

متی باب ۱۰ آیه ۳

۳ فیلیپس و برتولما؛ توما و متای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لبی معروف به تدی؛

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانونی،

لوقا باب ۶ آیه ۱۵

۱۵ متی و توما، یعقوب ابن حلفی و شمعون معروف به غیور .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳ تا ۱۵

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند. ۱۴ و جمیع اینها با زنان و مریم مادر عیسی و برادران او به یکدل در عبادت و دعا مواظب می‌بودند. ۱۵ و در آن ایام، پطرس در میان برادران که عدد اسامی ایشان جمله قریب به صد و بیست بود برخاسته، گفت :

لوقا باب ۶ آیه ۱۴

۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما،

یوحنا باب ۶ آیه ۵ تا ۷

۵ پس عیسی چشمان خود را بالا انداخته، دید که جمعی کثیر به طرف او می‌آیند. به فیلیپس گفت: "از کجا نان بخریم تا اینها بخورند؟" ۶ و این را از روی امتحان به او گفت، زیرا خود می‌دانست چه باید کرد. ۷ فیلیپس او را جواب داد که "دویست دینار نان، اینها را کفایت نکند تا هر یک اندکی بخورند!"

یوحنا باب ۱۴ آیه ۸ تا ۱۰

۸ فیلیپس به وی گفت: "ای آقا پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است." ۹ عیسی بدو گفت: "ای فیلیپس در این مدت با شما بوده‌ام، آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می‌گویی پدر را به ما نشان ده؟" ۱۰ آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنهایی که من به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم، لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می‌کند .

برتولما Bartholomew

لغت فوق به معنای **پسر تولما** می باشد .

برتولما نام یکی از دوازده شاگردان عیسی مسیح بوده است. در انجیل همسو نام برتولما همراه با فلیپس شاگرد دیگر عیسی مسیح برده شده است، اما در انجیل یوحنا هرگز نامی از برتولما برده نشده، از آن جهت که نام وی همیشه با فلیپس بوده و در انجیل یوحنا از نام تتنائیل استفاده شده است. احتمال می رود که تتنائیل همان برتولما باشد. نام وی در تمامی لیست نام شاگردان در انجیل ذکر شده است .

برتولما توسط فلیپس از وجود مسیح آگاهی یافت. و با نابوری به حضور مسیح رفت. مسیح او را یک مرد شریف و یک اسرائیلی واقعی خواند. و زمانی که عیسی گفت او را قبل از اینکه فلیپس پیدا کند در زیر درخت انجیر دیده است، برتولما، او را پسر خدا و پادشاه اسرائیل خواند .

یک روز پس از رستخیز، عیسی باز در کناره دریای طبریه، برای سومین بار در بین شاگردان حضور پیدا کرد، برتولما نیز در بین شاگردان حضور داشت و شاهد معجزه میبد صد و پنجاه و سه ماهی بود و در خوردن نان و ماهی با عیسی شرکت داشت .

برتولما یکی از شاهدان عروج عیسی به آسمان بود و پس از عروج عیسی به آسمان، برتولما یکی از اشخاصی بود که در بالاخانه ای جهت دعا و نیایش با سایر شاگردان جمع می شد.

درگذشت

بنا بر روایات، برتولما در سفر بشارتی همراه فلیپس و توما بوده است. برتولما در نزدیکی مرز هندوستان و ارمنستان موعظه می کرده است. گفته می شود وی در شهر آلباناپولیس، ارمنستان، بصورت زنده پوست کنده شده و پس از آن وی را به صلیب کشیده و در انتها سر وی را از تنش جدا کردند .

نماد

نماد برتولما چاقو می باشد، که معمولا روی تصویر یک سپر کشیده می شود .
تصویر چاقو نمادی است که نشان دهنده آن است که اندریاس را بصورت زنده و با چاقو پوست کنده اند .
بیست و چهارم ماه اگوست (August) هر سال، روز یادبود برتولما می باشد.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۱۰ - مرقس باب ۳ - لوقا باب ۶ - یوحنا باب ۱ و ۲۱ - اعمال باب ۱

متی باب ۱۰ آیه ۳

۳ فلیپس و برتولما؛ توما و متای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لبی معروف به تدی؛

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانونی،

لوقا باب ۶ آیه ۱۴

۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فلیپس و برتولما،

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱ تا ۲

۱ بعد از آن عیسی باز خود را در کناره دریای طبریه، به شاگردان ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت: ۲ شمعون پطرس و تومای معروف به توأم و تتنائیل که از قانای جلیل بود و دو پسر زبدی و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند .

یوحنا باب ۱ آیه ۴۵ تا ۵۰

۴۵ فیلیپس تتنائیل را یافته، بدو گفت: “آن کسی را که موسی در تورات و انبیا مذکور داشته‌اند، یافته‌ایم که عیسی پسر یوسف ناصری است.” ۴۶ تتنائیل بدو گفت: “مگر می‌شود که از ناصره چیزی خوب پیدا شود؟” فیلیپس بدو گفت: “بیا و ببین.” ۴۷ و عیسی چون دید که تتنائیل به‌سوی او می‌آید، درباره او گفت: “اینک اسرائیلی حقیقی که در او مکاری نیست.” ۴۸ تتنائیل بدو گفت: “مرا از کجا می‌شناسی؟” عیسی در جواب وی گفت: “قبل از آنکه فیلیپس تو را دعوت کند، در حینی که زیر درخت انجیر بودی تو را دیدم.” ۴۹ تتنائیل در جواب او گفت: “ای استاد تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیل هستی!” ۵۰ عیسی در جواب او گفت: “آیا از اینکه به تو گفتم که تو را زیر درخت انجیر دیدم، ایمان آوردی؟ بعد از این چیزهای بزرگتر از این خواهی دید.”

توما Thomas

لغت فوق به معنای **دوقلو می باشد** .

توما نام یکی از دوازده شاگردان عیسی مسیح بوده که به توأم به معنای دوقلو نیز نامیده می شده است. توأم نامی یونانی و مشابه توما بوده است. تنها در انجیل یوحنا از او به نام توأم نیز یاد شده است. در لیست شاگردان مسیح نام توما معمولا همراه با نام متی ذکر شده است .

زمانیکه عیسی مسیح جهت زنده کردن ایلعازر قصد رفتن به بیت عنیا را داشت، تمامی شاگردان می خواستند وی را به خاطر ترس از سنگسار شدن منصرف کنند، ولی تنها کسی که موافق با رفتن بود توما بود و گفت: “ما نیز برویم تا با او بمیریم .”

توما نیز زمانی که عیسی مسیح در مورد رفتن و راه خود صحبت میکرد، توما تنها کسی بود که از وی در مورد پیدا کردن راه رسیدن به وی، سوال کرد .

زمانیکه شاگردان خبر قیام مسیح از مردگان را به توما گفتند، او نتوانست آنرا باور کند، وی پس از آنکه عیسی مسیح را دید و مسیح حضور خود را به وی ثابت کرد، قیام مسیح از مردگان را باور کرد و مسیح را خداوند نامید .

یک روز پس از رستخیز، عیسی باز در کناره دریای طبریه، برای سومین بار در بین شاگردان حضور پیدا کرد، توما نیز در بین شاگردان حضور داشت و شاهد معجزه صید صد و پنجاه و سه ماهی بود و در خوردن نان و ماهی با عیسی شرکت داشت .

پس از عروج مسیح به آسمان، توما یکی از اشخاصی بود که در بالاخانه ای جهت دعا و نیایش با سایر شاگردان جمع می شد .

درگذشت

بنا به روایات، وی سپس به هند و پارت جهت بشارت رفته است. توما در جوانی به شغل نجاری مشغول بوده و در هندوستان با دستان خود یک کلیسا ساخته است. موعظه های توما در هندوستان باعث شد که برهمنیها مردم را بر علیه وی تحریک کنند، توما با پرتاب یک نیزه که از بدن او رد شد و سپس با سنگسار کردن به شهادت می رسد. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است .

نماد

نماد توما، دو چوب است که بصورت گونیا به هم میخ شده است و یک نیزه که بصورت عمود ایستاده است، که معمولا روی تصویر یک سپر کشیده می شود .

تصویر دو چوب نشانگر شغل نجاری توما، و نیزه نمادی از شهادت وی می باشد .
بیست و یکم ماه دسامبر (December) هر سال، روز یادبود توما می باشد.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۱۰ - مرقس باب ۳ - لوقا باب ۶ - اعمال باب ۱ - یوحنا باب ۱۱، ۱۴، ۲۰، ۲۱

متی باب ۱۰ آیه ۳

۳ فیلیپس و برتولما؛ توما و متای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لیبی معروف به تدی؛

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانونی،

لوقا باب ۶ آیه ۱۵

۱۵ متی و توما، یعقوب ابن حلفی و شمعون معروف به غیور .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند .

یوحنا باب ۱۱ آیه ۱۶

۱۶ پس توما که به معنی توأم باشد، به همشاگردان خود گفت: “ما نیز برویم تا با او بمیریم .”

یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۴

۲۴ اما توما که یکی از آن دوازده بود و او را توأم می‌گفتند، وقتی که عیسی آمد با ایشان نبود .

یوحنا باب ۲۱ آیه ۲

۲ شمعون پطرس و توما معروف به توأم و تتنائیل که از قانای جلیل بود و دو پسر زبدی و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند .

یوحنا باب ۱۱ آیه ۱۴ تا ۱۶

۱۴ آنگاه عیسی علانیه بدیشان گفت: “ایلعازر مرده است. ۱۵ و برای شما خشنود هستم که در آنجا نبودم تا ایمان آرید و لکن نزد او برویم.” ۱۶ پس توما که به معنی توأم باشد، به همشاگردان خود گفت: “ما نیز برویم تا با او بمیریم .”

یوحنا باب ۱۴ آیه ۴ تا ۷

۴ و جایی که من می‌روم می‌دانید و راه را می‌دانید.” ۵ توما بدو گفت: “ای آقا نمی‌دانیم کجا می‌روی. پس چگونه راه را توانیم دانست؟” ۶ عیسی بدو گفت: “من راه و راستی و حیات هستم. هیچ‌کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید. ۷ اگر مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید و بعد از این او را می‌شناسید و او را دیده‌اید .”

یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۴ تا ۲۸

۲۴ اما توما که یکی از آن دوازده بود و او را توأم می‌گفتند، وقتی که عیسی آمد با ایشان نبود. ۲۵ پس شاگردان دیگر بدو گفتند: “خداوند را دیده‌ایم.” بدیشان گفت: “تا در دو دستش جای می‌خیزد و انگشت خود را در جای می‌خیزد و دست خود را بر پهلوی من نهیم، ایمان نخواهم آورد.” ۲۶ و بعد از هشت روز باز شاگردان با توما در خانه‌ای جمع بودند و درها بسته بود که ناگاه عیسی آمد و در میان ایستاده، گفت: “سلام بر شما باد!” ۲۷ پس به توما گفت: “انگشت خود را به اینجا بیاور و دستهای مرا ببین و دست خود را بیاور و بر پهلوی من بگذار و بی‌ایمان مباش بلکه ایمان دار.” ۲۸ توما در جواب وی گفت: “ای خداوند من و ای خدای من .”

یوحنا باب ۲۱ آیه ۱ تا ۲

۱ بعد از آن عیسی باز خود را در کناره دریای طبریه، به شاگردان ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت: ۲ شمعون پطرس و توما معروف به توأم و تتنائیل که از قانای جلیل بود و دو پسر زبدی و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند .

متی Matthew

لغت فوق به معنای هدیه خدا می باشد .

متی نام یکی از دوازده شاگردان عیسی مسیح بوده که نه تنها یکی از رسولان بلکه یکی از بشارت دهندگان نیز بوده است. اولین انجیل توسط وی نوشته شد که به انجیل متی معروف است. نام وی در لیست نام شاگردان در سه انجیل و کتاب اعمال آمده است، هر چند که در انجیل لوقا و مرقس در رتبه هفتم و در انجیل متی و کتاب اعمال جایگاه اسمی وی با توما تعویض و در رتبه هشتم قرار گرفته است. نام پدر متی حلفی بود و قبل از آشنایی با مسیح او را لاوی می نامیدند، شغل وی باجگیری (مامور وصول مالیات) بوده است. متی متعلق به گروه باجگیران و گناهکاران بوده است . متی در کفرناحوم و در زمان هرود انتیپاس مامور ستی و محلی برای جمع آوری مالیات بوده است، هر چند که او واقعا یک مامور رومی نبوده اما در ناحیه جلیل به خدمت مشغول بوده و احتمالا زیردست رومی بوده و برای آنان مالیات جمع می کرده است. به احتمال بسیار زیاد وی دارای تحصیلات و آشنا به زبان آرامی و یونانی برای خواندن و نوشتن بوده، که ضرورت شغل وی بوده است .

عیسی زمانیکه در کفرناحوم بود او را دید و به او گفت: «مرا متابعت کن.» و متی برخاسته و به دنبال عیسی رفت و از شاگردان وی گشت. در همان روز، متی مهمانی بزرگی داد و عیسی و شاگردانش و دوستان متی که از باجگیران و گناهکاران بودند نیز در این مهمانی شرکت داشتند .

پس از عروج مسیح به آسمان، متی یکی از اشخاصی بود که در بالاخانه ای جهت دعا و نیایش با سایر شاگردان جمع می شد. پس از آن در مورد متی، چیز دیگری در کتاب مقدس دیده نمی شود .

درگذشت

بنا بر روایات، متی برای مدت پانزده سال در فلسطین موعظه می کرده است و سپس به اتیوپی و مقدونیه رفته است. گفته می شود وی به مرگ طبیعی چه در اتیوپی یا مقدونیه درگذشته است. اما کلیسای کاتولیک بر این باور است که متی در اتیوپی مصلوب و سپس گردن زده شده و به شهادت رسیده است. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است .

نماد

نماد متی سه کیسه پول می باشد، که معمولا روی تصویر یک سپر کشیده می شود . تصویر سه کیسه پول نمادی است که نشان دهنده آن است که متی قبل از آشنایی با عیسی، به شغل باجگیری مشغول بوده است .

بیست و یکم ماه سپتامبر (September) هر سال، روز یادبود متی می باشد.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۹ و ۱۰ - مرقس باب ۲ و ۳ - لوقا باب ۶ - اعمال باب ۱

متی باب ۱۰ آیه ۳

۳ فیلیپس و برتولما؛ توما و متای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لبی معروف به تدی؛

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانونی،

لوقا باب ۶ آیه ۱۵

۱۵ متی و توما، یعقوب ابن حلفی و شمعون معروف به غیور .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند .

مرقس باب ۲ آیه ۱۴

۱۴ و هنگامی که می‌رفت لوی ابن حلفی را بر باجگاه نشسته دید. بدو گفت: «از عقب من بیا!» پس برخاسته، در عقب وی شتافت .

متی باب ۹ آیه ۹ تا ۱۰

۹ چون عیسی از آنجا می‌گذشت، مردی را مسمی به متی به باجگاه نشسته دید. بدو گفت: «مرا متابعت کن.» در حال برخاسته، از عقب وی روانه شد. ۱۰ و واقع شد چون او در خانه به غذا نشسته بود که جمعی از باجگیران و گناهکاران آمده، با عیسی و شاگردانش بنشستند .

یعقوب پسر حلفی James

لغت فوق به معنای **گیرنده پاشنه پا** می باشد.

یعقوب نام پسر حلفی و یکی از دوازده شاگردان مسیح بوده است. او، یعقوب کوچک یا کوتاه نیز نامیده می شده، زیرا از سایر شاگردان کوتاهتر بوده است. در انجیل متی و مرقس نام وی همراه با تدی و در کتاب اعمال و انجیل لوقا نام وی همراه با شمعون آمده است. نام مادر یعقوب، مریم است که در هنگام مصلوب شدن مسیح در پای صلیب حضور داشت و یکی از زنانی بود که شاهد باز بودن و خالی بودن قبر عیسی بوده است. یعقوب دارای یک برادر به نام یوشا داشته است. در انجیل یوحنا نام همسر مادر وی، کلویا نامیده شده است.

پس از عروج مسیح به آسمان، یعقوب یکی از اشخاصی بود که در بالاخانه ای جهت دعا و نیایش با سایر شاگردان جمع می شد. پس از آن در مورد یعقوب، چیز دیگری در کتاب مقدس دیده نمی شود.

درگذشت

بنا بر روایات، او در اورشلیم و نزدیک این شهر کار می کرده است. دشمنان یعقوب، او را در سن نود و شش سالگی از بالای برج معبد به پایین پرتاب می کنند و زمانی که او برای دشمنانش طلب بخشایش می کند. او را با چماق آنقدر زدند که جان سپرد، حتی این مرگ آنان را راضی نمی کند و جسد او را با اره قطعه قطعه می کنند. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است.

نماد

نماد فیلیپس یک اره می باشد، که معمولاً روی تصویر یک سپر کشیده می شود. تصویر یک اره، نمادی است از شهادت یعقوب که با اره قطعه قطعه شده است. یکم ماه می (May) هر سال، روز یادبود یعقوب کوچک می باشد.

منابع کتاب مقدس: متی باب ۱۰ و ۲۷ - مرقس باب ۳، ۱۵ و ۱۶ - لوقا باب ۶ - اعمال باب ۱ - یوحنا باب

۱۹

متی باب ۱۰ آیه ۳

۳ فیلیپس و برتولما؛ توما و متای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لبی معروف به تدی؛

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانوی،

لوقا باب ۶ آیه ۱۵

۱۵ متی و توما، یعقوب ابن حلفی و شمعون معروف به غیور.

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند.

متی باب ۲۷ آیه ۵۶

۵۶ که از آن جمله، مریم مجذلیه بود و مریم مادر یعقوب و یوشاء و مادر پسران زبیدی.

مرقس باب ۱۵ آیه ۴۰

۴۰ و زنی چند از دور نظر می‌کردند که از آنجمله مریم مجذلیه بود و مریم مادر یعقوب کوچک و مادر یوشا و سالومه،

یوحنا باب ۱۹ آیه ۲۵

۲۵ و پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلویا و مریم مجذلیه ایستاده بودند.

مرقس باب ۱۶ آیه ۱ تا ۴

۱ پس چون سبت گذشته بود، مریم مجذلیه و مریم مادر یعقوب و سالومه حنوط خریده، آمدند تا او را تدهین کنند. ۲ و صبح روز یکشنبه را بسیار زود وقت طلوع آفتاب بر سر قبر آمدند. ۳ و با یکدیگر می‌گفتند: “کیست که سنگ را برای ما از سر قبر بغلطاند؟” ۴ چون نگریستند، دیدند که سنگ غلطانیده شده است زیرا بسیار بزرگ بود.

تدی Thaddaeus

لغت فوق به معنای **قلب، سینه** می باشد .

تدی لقب لبی، یکی از دوازده شاگردان عیسی بود. وی « یهودا برادر یعقوب » و « یهودا پسر یعقوب » نیز نامیده شده است. در کتاب یوحنا وی یهودا (نه یهودای اسخریوطی) نامیده شده است .
در لیست نام شاگردان مسیح از وی به نام تدی نام برده شده است. اما در سایر قسمتهای اناجیل از وی به عنوان یهودا برادر یا پسر یعقوب نام برده شده است. البته در آن دوران اغلب افراد دارای دو یا سه نام بوده اند که می توانست شامل نام یونانی یا عبری باشد و در بعضی مواقع نیز با لقب ایشان نامیده می شده اند .
تدی کسی بود که پس از مراسم شام آخر از مسیح سوال کرد: چرا خود را فقط به شاگردانت نشان می دهی نه به مردم دنیا؟

پس از عروج مسیح به آسمان، تدی یکی از اشخاصی بود که در بالاخانه ای جهت دعا و نیایش با سایر شاگردان جمع می شد. پس از آن در مورد تدی، چیز دیگری در کتاب مقدس دیده نمی شود .

درگذشت

بنا بر روایات، وی در سامره و ادسا موعظه می کرده و گفته می شود تا ایران نیز رفته است. وی بوسیله یک زوبین به شهادت می رسد. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است.

نماد

نماد تدی یک کشتی می باشد، که معمولا روی تصویر یک سپر کشیده می شود .
تصویر کشتی نمادی است برای نشان دادن سفرهای بشارتی بیشماری که تدی داشته است .
بیست و هشتم ماه اکتبر (October) هر سال، روز یادبود تدی می باشد.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۱۰ - مرقس باب ۳ - لوقا باب ۶ - اعمال باب ۱ - یوحنا باب ۱۴

متی باب ۱۰ آیه ۳

۳ فیلیپس و برتولما؛ توما و متای باجگیر؛ یعقوب بن حلفی و لبی معروف به تدی؛

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانونی،

لوقا باب ۶ آیه ۱۶

۱۶ یهودا برادر یعقوب و یهودای اسخریوطی که تسلیم کننده وی بود .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند .

یوحنا باب ۱۴ آیه ۲۲

۲۲ یهودا، نه آن اسخریوطی، به وی گفت: “ای آقا چگونه می خواهی خود را به ما بنمایی و نه بر جهان؟ ”

شمعون Simon

لغت فوق به معنای **خداوند شنیده است** می باشد .

شمعون، یکی از دوازده شاگردان عیسی بود. وی در انجیل متی و مرقس «شمعون قانونی» و در انجیل لوقا و کتاب اعمال «شمعون غیور» نیز نامیده شده است .
قانونی نام گروه و حزبی مذهبی بوده که یهودیان برای براندازی دولت روم در اسرائیل ایجاد کرده بودند و به آنان غیور نیز گفته می شده است و شمعون نیز قبل از آشنایی با عیسی یکی از اعضای این گروه بوده است. اما هیچ گونه مرجعی در این مورد وجود ندارد .
پس از عروج مسیح به آسمان، شمعون یکی از اشخاصی بود که در بالاخانه ای جهت دعا و نیایش با سایر شاگردان جمع می شد. پس از آن در مورد شمعون، چیز دیگری در کتاب مقدس دیده نمی شود .

درگذشت

بنا بر روایات، وی در مصر، افریقا و انگلیس موعظه می کرده است و بنا بر روایاتی دیگر، شمعون و تدی با هم در ایران (پرشیا) موعظه می کرده اند و با هم یا هم زمان به شهادت رسیده اند. و گفته می شود: شمعون بوسیله گردن زدن (قطع سر) یا قطعه قطعه شدن بوسیله اره به شهادت رسیده است. اما در کتاب مقدس در این باره و مرگ وی چیزی گفته نشده است.

نماد

نماد شمعون یک کتاب انجیل و یک ماهی می باشد، که معمولاً روی تصویر یک سپر کشیده می شود .
تصویر ماهی نشان بر شغل شمعون که ماهیگیر بوده، دارد. چون شمعون همزمان با شغل ماهیگیری به موعظه انجیل نیز می پرداخته است، کتاب انجیل در نماد وی قرار داده شده است .
بیست و هشتم ماه اکتبر (October) هر سال، روز یادبود شمعون غیور می باشد.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۱۰ - مرقس باب ۳ - لوقا باب ۶ - اعمال باب ۱

مرقس باب ۳ آیه ۱۸

۱۸ و اندریاس و فیلیپس و برتولما و متی و توما و یعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانونی،

متی باب ۱۰ آیه ۱ تا ۴

۱ و دوازده شاگرد خود را طلبیده، ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بی

لوقا باب ۶ آیه ۱۵

۱۵ متی و توما، یعقوب ابن حلفی و شمعون معروف به غیور .

اعمال باب ۱ آیه ۱۳

۱۳ و چون داخل شدند، به بالاخانه ای برآمدند که در آنجا پطرس و یوحنا و یعقوب و اندریاس و فیلیپس و توما و برتولما و متی و یعقوب بن حلفی و شمعون غیور و یهودای برادر یعقوب مقیم بودند .

یهودا Judas / Judah

لغت فوق به معنای ستایش خداوند را می باشد .

یهودا اسخریوطی نام یکی از دوازده شاگردان عیسی بود که به عیسی خیانت و وی را تسلیم دشمنانش کرد. همانطور که از لقب وی استنباط می شود، وی از اهالی محلی به نام قریوت که احتمالا در جنوب یهودیه قرار داشت، بوده است .

نام و زندگی اولیه

یهودا پسر شمعون یا شمعون اسخریوطی بوده است، لقب وی با پدرش یکی بوده است که مفهوم اسخریوطی (از اهالی قریوت) نشان می دهد که چرا هر دو دارای این لقب بوده اند .
در انجیل همسو (هم نظر) نام یهودا اسخریوطی در آخر لیست شاگردان مسیح قرار گرفته است .
به احتمال زیاد زمانی که مسیح در یهودیه با شاگردانش به مردم غسل تعمید می داده است، یهودای اسخریوطی را به شاگردی فرا خوانده است .

قبل از تسلیم مسیح

برای روشن شدن وضعیت یهودا از خواننده شدن به شاگردی تا تسلیم مسیح، ما تنها مدیون و ممنون انجیل یوحنا هستیم. انجیل یوحنا بازگو کننده اهداف و نشان دهنده شخصیت شریر و بدکار یهودای اسخریوطی از ابتدا است و به تدریج برای ما روشن می شود که چگونه عیسی در مورد آینده وی و تسلیم شدن توسط وی پیشگویی می کند .
زمانی که مسیح در کنیسه ای در کفرناحوم در مورد « نان حیات » صحبت می کرد و شاگردانش نیز آنجا حضور داشتند. پس از سخنان عیسی بسیاری از شاگردانش او را ترک کردند، عیسی مسیح می دانست و برای او از ابتدا روشن بود که در همان موقع یهودای اسخریوطی نیز وی را ترک کرده است، زیرا او به دوازده شاگرد کرد و گفت: «آیا من شما دوازده را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی است.» و منظور وی یهودای اسخریوطی بود .
هر چند این وضعیت او را مضطرب کرد، اما احتمالا جاه طلبی وی او را به ماندن در صف شاگردان ترغیب کرده است.
شیشه عطری به قیمت سیصد دینار توسط مریم بر روی پاهای عیسی ریخته شد و یهودا بر این کار اعتراض کرده و گفت: می توانستیم پول این عطر را به فقرا بدهیم. اما آنرا به این دلیل گفت که حساب خرج شاگردان در دست یهودا بود و وی از آن پولها برای خود نیز بر می داشته است. این ماجرا نشان می دهد که یهودا دارای طمع به جمع آوری مال به هر طریقی بوده است .

تسلیم کردن مسیح

یهودای اسخریوطی پیش رؤسای کهنه رفت و از آنان سی سکه نقره گرفت تا عیسی را بدست ایشان تسلیم کند .
در شام آخر عیسی مسیح بدون نام بردن از یهودا، به آنان گفت که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد و با دادن لقمه به یهودا، شخصی که او را تسلیم دشمنانش خواهد کرد را مشخص کرد. پس از آن شیطان بر یهودا غلبه کرد و یهودا به بیرون رفته تا محل عیسی را به رؤسای کهنه اطلاع دهد .
زمانی که عیسی با شاگردانش در باغی در محله قدرون بودند و یهودا از آن محل نیز اطلاع داشت. یهودا به همراه گروهی از جانب رؤسای کهنه که مسلح بودند به آن محل آمدند و براساس قراری که یهودا گذاشته بود که هر آنکه را ببوسد مسیح است، به جلو آمده و عیسی را بوسید و با بوسه ای عیسی را تسلیم آنان کرد.

مرگ یهودا

صبح فردای آروز، وقتی یهودا فهمید که رؤسای کهنه قصد کشتن عیسی را دارند، از کار خود پشیمان شد و سی سکه نقره را به آنان پس داده و آنرا در هیکل انداخت و سپس رفته و خود را حلق آویز کرد. رؤسای کهنه آن پول را به دلیل

خون بها بودن در معبد نگاه نداشتند و با آن مزرعه ای را که از خاک آن کوزه گران استفاده می کردند، برای قبرستان خارجیانی که در اورشلیم فوت می کردند، خریدند و آن زمین را حَقْلًا لدم یعنی «زمین خون» نامیدند .
متی از به انجام رسیدن نبوت ارمیا در این مورد نام برده است که این نبوت مربوط به زکریا می باشد .
در کتاب اعمال پطرس در مورد مرگ یهودا می گوید که وی با سر سقوط کرده و تمامی روده هایش بیرون ریخته است .
گفته می شود، پس از آنکه یهودا خود را حلق آویز کرده، طناب پاره شده و وی به زمین سقوط کرده و شکمش پاره و روده هایش به بیرون ریخته شده است .
پس از مرگ یهودا، متیاس به قید قرعه از طرف شاگردان به جانشینی وی انتخاب گردید .

نماد

یهودا اسخریوطی دارای هیچ نمادی نمی باشد و معمولا به صورت سپری که هیچ نمادی روی آن نیست، نشان داده می شود. بعضی ها نیز از نماد یک کیسه پول به عنوان پولی که با آن عیسی را تسلیم کرده استفاده می کنند.

منابع کتاب مقدس : متی باب ۱۰، ۲۶، ۲۷ - مرقس باب ۳، ۱۴ - لوقا باب ۶، ۲۲ - یوحنا باب ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸

- اعمال باب ۱ - مزامیر باب ۶۹ - یوشع باب ۱۵ - زکریا باب ۱۱

یوشع باب ۱۵ آیه ۲۵

۲۵ و حاصور خَدَّتَه و قَریوت حَمْرُون که حاصور باشد .

یوحنا باب ۱۳ آیه ۲

۲ و چون شام می خوردند و ابلیس پیش از آن در دل یهودا پسر شمعون اسخریوطی نهاده بود که او را تسلیم کند،

یوحنا باب ۶ آیه ۷۱

۷۱ و این را درباره یهودا پسر شمعون اسخریوطی گفت، زیرا او بود که می بایست تسلیم کننده وی بشود و یکی از آن دوازده بود .

متی باب ۱۰ آیه ۴

۴ شمعون قانوی و یهودای اسخریوطی که او را تسلیم نمود .

مرقس باب ۳ آیه ۱۹

۱۹ و یهودای اسخریوطی که او را تسلیم کرد .

لوقا باب ۶ آیه ۱۶

۱۶ یهودا برادر یعقوب و یهودای اسخریوطی که تسلیم کننده وی بود .

یوحنا باب ۶ آیه ۶۶ تا ۷۱

۶۶ در همان وقت بسیاری از شاگردان او برگشته، دیگر با او همراهی نکردند. ۶۷ آنگاه عیسی به آن دوازده گفت: "آیا

شما نیز می خواهید بروید؟" ۶۸ شمعون پطرس به او جواب داد: "خداوندنا نزد که برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو

است. ۶۹ و ما ایمان آورده و شناخته ایم که تو مسیح پسر خدای حی هستی." ۷۰ عیسی بدیشان جواب داد: "آیا من شما

دوازده را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی است." ۷۱ و این را درباره یهودا پسر شمعون اسخریوطی گفت،

زیرا او بود که می بایست تسلیم کننده وی بشود و یکی از آن دوازده بود .

یوحنا باب ۱۲ آیه ۳ تا ۸

۳ آنگاه مریم رطلی از عطر سنبل خالص گرانبها گرفته، پایهای عیسی را تدهین کرد و پایهای او را از مویهای خود

خشکانید، چنانکه خانه از بوی عطر پر شد. ۴ پس یکی از شاگردان او یعنی یهودای اسخریوطی، پسر شمعون که تسلیم

کننده وی بود، گفت: ۵ «برای چه این عطر به سیصد دینار فروخته نشد تا به فقرا داده شود؟» ۶ و این را نه از آنرو گفت که پروای فقرا می‌داشت، بلکه از آنرو که دزد بود و خریطه در حواله او و از آنچه در آن انداخته می‌شد برمی‌داشت. ۷ عیسی گفت: «او را واگذار زیرا که بجهت روز تکفین من این را نگاه داشته است. ۸ زیرا که فقرا همیشه با شما می‌باشند و اما من همه وقت با شما نیستم.»

متی باب ۲۶ آیه ۷ تا ۱۳

۷ زنی با شیشه‌ای عطر گرانبها نزد او آمده، چون بنشست بر سر وی ریخت. ۸ اما شاگردانش چون این را دیدند، غضب نموده، گفتند: «چرا این اسراف شده است؟ ۹ زیرا ممکن بود این عطر به قیمت گران فروخته و به فقرا داده شود.» ۱۰ عیسی این را درک کرده، بدیشان گفت: «چرا بدین زن زحمت می‌دهید؟ زیرا کار نیکو به من کرده است. ۱۱ زیرا که فقرا را همیشه نزد خود دارید اما مرا همیشه ندارید. ۱۲ و این زن که این عطر را بر بدنم مالید، بجهت دفن من کرده است. ۱۳ هر آینه به شما می‌گویم هر جایی که در تمام عالم بدین بشارت موعظه کرده شود، کار این زن نیز بجهت یادگاری او مذکور خواهد شد.»

مرقس باب ۱۴ آیه ۳ تا ۸

۳ و هنگامی که او در بیت عنیا در خانه شمعون ابرص به غذا نشسته بود، زنی با شیشه‌ای از عطر گرانبها از سنبل خالص آمده، شیشه را شکسته، بر سر وی ریخت. ۴ و بعضی در خود خشم نموده، گفتند: «چرا این عطر تلف شد؟ ۵ زیرا ممکن بود این عطر زیادتر از سیصد دینار فروخته، به فقرا داده شود.» و آن زن را سرزنش نمودند. ۶ اما عیسی گفت: «او را واگذارید! از برای چه او را زحمت می‌دهید؟ زیرا که با من کاری نیکو کرده است، ۷ زیرا که فقرا را همیشه با خود دارید و هرگاه بخواهید می‌توانید با ایشان احسان کنید، لیکن مرا با خود دائما ندارید. ۸ آنچه در قوه او بود کرد، زیرا که جسد مرا بجهت دفن، پیش‌تدهین کرد.»

متی باب ۲۶ آیه ۱۴ تا ۱۶

۱۴ آنگاه یکی از آن دوازده که به یهودای اسخریوطی مسمی بود، نزد رؤسای کهنه رفته، ۱۵ گفت: «مرا چند خواهید داد تا او را به شما تسلیم کنم؟» ایشان سی پاره نقره با وی قرار دادند ۱۶ و از آن وقت در صدد فرست شدن او را بدیشان تسلیم کند.

یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۰

۱۰ عیسی بدو گفت: «کسی که غسل یافت محتاج نیست مگر به شستن پایها، بلکه تمام او پاک است. و شما پاک هستید لکن نه همه.»

یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۸

۱۸ درباره جمیع شما نمی‌گویم؛ من آنانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم، لیکن تا کتاب تمام شود "آنکه با من نان می‌خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرده است."

متی باب ۲۶ آیه ۲۱

۲۱ و وقتی که ایشان غذا می‌خوردند، او گفت: «هر آینه به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم می‌کند!»

مرقس باب ۱۴ آیه ۱۸

۱۸ و چون نشسته غذا می‌خوردند، عیسی گفت: «هر آینه به شما می‌گویم که، یکی از شما که با من غذا می‌خورد، مرا تسلیم خواهد کرد.»

لوقا باب ۲۲ آیه ۲۱

۲۱ لیکن اینک دست آن کسی که مرا تسلیم می‌کند با من در سفره است.

یوحنا باب ۱۳ آیه ۲۱

۲۱ چون عیسی این را گفت، در روح مضطرب گشت و شهادت داده، گفت: «آمین آمین به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.»

یوحنا باب ۱۳ آیه ۲۵ تا ۲۷

۲۵ پس او در آغوش عیسی افتاده، بدو گفت: «خداوندا کدام است؟» ۲۶ عیسی جواب داد: «آن است که من لقمه را فرو برده، بدو می‌دهم.» پس لقمه را فرو برده، به یهودای اسخریوطی پسر شمعون داد. ۲۷ بعد از لقمه، شیطان در او داخل گشت. آنگاه عیسی وی را گفت، «آنچه می‌کنی، به زودی بکن.»

یوحنا باب ۱۳ آیه ۳۰

۳۰ پس او لقمه را گرفته، در ساعت بیرون رفت و شب بود.

متی باب ۲۶ آیه ۴۷ تا ۵۰

۴۷ و هنوز سخن می‌گفت که ناگاه یهودا که یکی از آن دوازده بود با جمعی کثیر با شمشیرها و چوبها از جانب رؤسا، کهنه و مشایخ قوم آمدند ۴۸ و تسلیم کننده او بدیشان نشانی داده، گفته بود: «هر که را بوسه زنم، همان است. او را محکم بگیرید.» ۴۹ در ساعت نزد عیسی آمده، گفت: «سلام یا سیدی!» و او را بوسید. ۵۰ عیسی وی را گفت: «ای رفیق، از بهر چه آمدی؟» آنگاه پیش آمده، دست بر عیسی انداخته، او را گرفتند.

مرقس باب ۱۴ آیه ۴۳ تا ۴۴

۴۳ در ساعت وقتی که او هنوز سخن می‌گفت، یهودا که یکی از آن دوازده بود، با گروهی بسیار با شمشیرها و چوبها از جانب روسای کهنه و کاتبان و مشایخ آمدند. ۴۴ و تسلیم کننده او بدیشان نشانی داده، گفته بود: «هر که را ببوسم، همان است. او را بگیرید و با حفظ تمام ببرید.»

لوقا باب ۲۲ آیه ۴۷

۴۷ و سخن هنوز بر زبانش بود که ناگاه جمعی آمدند و یکی از آن دوازده که یهودا نام داشت بر دیگران سبقت جسته، نزد عیسی آمد تا او را ببوسد.

یوحنا باب ۱۸ آیه ۱ تا ۵

۱ چون عیسی این را گفت، با شاگردان خود به آن طرف وادی قدرون رفت و در آنجا باغی بود که با شاگردان خود به آن در آمد. ۲ و یهودا که تسلیم کننده وی بود، آن موضع را می‌دانست، چونکه عیسی در آنجا با شاگردان خود بارها انجمن می‌نمود. ۳ پس یهودا لشکریان و خادمان از نزد روسای کهنه و فریسیان برداشته، با چراغها و مشعلها و اسلحه به آنجا آمد. ۴ آنگاه عیسی با اینکه آگاه بود از آنچه می‌بایست بر او واقع شود، بیرون آمده، به ایشان گفت: «که را می‌طلبید؟» ۵ به او جواب دادند: «عیسی ناصری را!» عیسی بدیشان گفت: «من هستم!» و یهودا که تسلیم کننده او بود نیز با ایشان ایستاده بود.

متی باب ۲۷ آیه ۱ تا ۱۰

۱ و چون صبح شد، همه رؤسای کهنه و مشایخ قوم بر عیسی شورا کردند که او را هلاک سازند. ۲ پس او را بند نهاده، بردند و به پنتیوس پیلطس والی تسلیم نمودند. ۳ در آن هنگام، چون یهودا تسلیم کننده او دید که بر او فتوا دادند، پشیمان شده، سی پاره نقره را به رؤسای کهنه و مشایخ رد کرده، ۴ گفت: «گناه کردم که خون بی‌گناهی را تسلیم نمودم.» گفتند: «ما را چه، خود دانی!» ۵ پس آن نقره را در هیكل انداخته، روانه شد و رفته خود را خفه نمود. ۶ اما روسای کهنه نقره را برداشته، گفتند: «انداختن این در بیت‌المال جایز نیست زیرا خونها است.» ۷ پس شورا نموده، به آن مبلغ، مزرعه کوزه‌گر را بجهت مقبره غرباء خریدند. ۸ از آن جهت، آن مزرعه تا امروز بحقلا لدم مشهور است. ۹ آنگاه سخنی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود تمام گشت که «سی پاره نقره را برداشتند، بهای آن قیمت کرده شده‌ای که بعضی از بنی‌اسرائیل بر او قیمت گذارند ۱۰ و آنها را بجهت مزرعه کوزه‌گر دادند، چنانکه خداوند به من گفت.»

اعمال باب ۱ آیه ۱۶ تا ۲۰

۱۶ "ای برادران، می‌بایست آن نوشته تمام شود که روح‌القدس از زبان داود پیش گفت درباره یهودا که راهنما شد برای آنانی که عیسی را گرفتند. ۱۷ که او با ما محسوب شده، نصیبی در این خدمت یافت. ۱۸ پس او از اجرت‌ظلم خود،

زمینی خریده، به روی در افتاده، از میان پاره شد و تمامی امعایش ریخته گشت. ۱۹ و بر تمام سکنه اورشلیم معلوم گردید چنانکه آن زمین در لغت ایشان به حقل دما، یعنی زمین خون نامیده شد. ۲۰ زیرا در کتاب زبور مکتوب است که خانه او خراب بشود و هیچکس در آن مسکن نگیرد و نظارتش را دیگری ضبط نماید .

زکریا باب ۱۱ آیه ۱۲ تا ۱۴

۱۲ و به ایشان گفتم: اگر در نظر شما پسند آید مزد مرا بدهید و آلا ندهید. پس به جهت مزد من، سی پاره نقره وزن کردند. ۱۳ و خداوند مرا گفت: آن را نزد کوزه‌گر بینداز، این قیمت گران را که مرا به آن قیمت کردند. پس سی پاره نقره را گرفته، آن را در خانه خداوند نزد کوزه‌گر انداختم. ۱۴ و عصای دیگر خود خبال را شکستم تا برادری را که در میان یهودا و اسرائیل بود شکسته باشم .

مزامیر باب ۶۹ آیه ۲۵

۲۵ خانه‌های ایشان مخروبه گردد و در خیمه‌های ایشان هیچکس ساکن نشود .